

مهارت های اجتماعی و برنامه درسی



برنامه درسی
و آموزش مهارت های اجتماعی
رویکردی به بهبود
تعاملات بین فردی

۲۶



برنامه درسی
آموزش
مهارت های اجتماعی
در دنیای امروز

۱۱



مهارت های اجتماعی
یا
قابلیت های اجتماعی
گفتگو با دکتر فاضلی؛ جامعه شناس

۳

دعوت به همکاری

آیا شما یک معلم هستید و ایده‌های نوآورانه در ذهن دارید؟ آیا دغدغه‌هایی در حوزه آموزش و پرورش دارید که دوست دارید با دیگران به اشتراک بگذارید؟ آیا تجربه‌های موفق یا حتی چالش‌برانگیزی در کلاس درس دارید که می‌تواند برای همکارانتان الهام‌بخش یا راهگشا باشد؟

فصلنامه "معلم‌نامه" بستری برای بازتاب صداها، تجربیات و اندیشه‌های معلمان سراسر کشور است. ما بر این باوریم که تحول در آموزش، از درون جامعه معلمان آغاز می‌شود. از همین رو، با افتخار از تمامی معلمان، اساتید، دانشجویان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت دعوت می‌کنیم تا در نگارش، تهیه و تدوین بخش‌های مختلف این فصلنامه مشارکت فعال داشته باشند.

محورهای اصلی مشارکت:

مقالات تحلیلی و علمی: تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های نظام آموزشی، ارائه راهکارهای نوین تدریس، بررسی رویکردهای تربیتی نوین و...
تجربیات زیسته معلمان: روایت تجربیات موفق یا ناموفق در کلاس درس، خاطرات و درس‌آموخته‌های حرفه معلمی، ایده‌های خلاقانه برای جذب دانش‌آموزان و...

معرفی کتاب و منابع آموزشی: نقد و بررسی کتب مرتبط با حوزه آموزش و پرورش، معرفی منابع مفید برای معلمان و دانش‌آموزان و...
مصاحبه: انجام مصاحبه با معلمان پیشرو، کارشناسان آموزشی و مسئولان مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت.

گزارش‌های میدانی: ارائه گزارش از رویدادها، همایش‌ها و فعالیت‌های مرتبط با آموزش و پرورش در مدارس و مناطق مختلف.
تصاویر و آثار هنری: عکس و هرگونه اثر هنری مرتبط با موضوع شماره فصلنامه.

بخش آزاد: هرگونه ایده، پیشنهاد یا مطلبی که می‌تواند به غنای فصلنامه "معلم‌نامه" بیفزاید.

ویراستاری فنی و ادبی، صفحه‌آرایی و گرافیک.

چرا باید در "معلم‌نامه" مشارکت کنید؟

اشتراک دانش و تجربه: فرصتی برای به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و تجربیات ارزشمند خود با جامعه بزرگ معلمان.

تأثیرگذاری بر آینده آموزش: مشارکت در گفتگوهایی که می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و پرورش در کشور کمک کند.

ایجاد شبکه حرفه‌ای: آشنایی و تعامل با دیگر معلمان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت.

رزومه علمی و حرفه‌ای: ثبت اثر در یک نشریه معتبر و افزودن آن به رزومه شخصی خود.

مهمت و نحوه ارسال آثار برای شماره بعدی فصلنامه: تا پایان مردادماه از طریق مسیرهای ارتباطی ذکر شده در صفحه ۴۱ فصلنامه.

از همکاری شما برای ساختن فردایی روشن‌تر برای آموزش کشورمان قدردانی می‌کنیم.

با احترام، هیأت تحریریه فصلنامه



مفهرست

- * مهارت‌های اجتماعی و ضرورت گنجاندن آن در برنامه‌های درسی؛
سردبیر ۳
- * مهارت‌های اجتماعی یا قابلیت‌های اجتماعی؛
گفتگو با دکتر فاضلی، جامعه‌شناس ۴
- * برنامه درسی آموزش مهارت‌های اجتماعی در دنیای امروز؛
فرحناز قاسمیان ۱۱
- * آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان دوره ابتدایی؛
کتابنامه ۱۷
- * ارزیابی فعال بودن محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم از نظر معلمان مناطق پردیس و رودهن؛
فاطمه نورعلی ۱۹
- * برنامه درسی و آموزش مهارت‌های اجتماعی؛ رویکردی به بهبود تعاملات بین فردی؛ بیتا میرزایی اسکویی ۲۶
- * معرفی کتاب‌های مرتبط با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان؛
فائزه کریمی‌نسب ۲۹
- * تبیین ضرورت‌ها و جایگاه مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی؛
بررسی چالش‌ها و ارائه راهکارها؛ کیوان جمشیدی ۳۱
- * آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس: ضرورت‌ها و راهکارها؛
پریسا نوری ۳۷



شناسنامه نشریه

معلم‌نامه

شماره ۳، سال دوم؛ بهار ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: انجمن مطالعات برنامه درسی ایران

مدیر مسئول: دکتر مرتضی کرمی (رئیس انجمن مطالعات برنامه درسی ایران)

سردبیر: محمد یزدانی پرائی

هیأت تحریریه:

سمیرا مستعلی، مجتبی سلطانی، عاطفه یوسفی، محسن فلاحتداری، سحر جعفری، حسین قربانی

طراح و صفحه‌آرا: محمد یزدانی پرائی

طراحی جلد با کمک هوش مصنوعی: مجتبی سلطانی



سر مقاله



محمد یزدانی پرانی - سردبیر



مهارت‌های اجتماعی و ضرورت گنجاندن آن در برنامه‌های درسی

(۲) ادغام مهارت‌های اجتماعی در دروس موجود: استفاده از دروس ادبیات و علوم اجتماعی برای آموزش همدلی و کار گروهی.

(۳) فعالیت‌های گروهی: انجام پروژه‌های مشارکتی برای تقویت کار تیمی و تقسیم وظایف.

(۴) الگوسازی و نقش‌آفرینی: استفاده از تکنیک‌های نقش‌آفرینی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در موقعیت‌های مختلف.

(۵) تشویق و بازخورد مثبت: ارائه بازخورد مثبت به دانش‌آموزان برای تقویت رفتارهای اجتماعی مناسب.

لذا مهارت‌های اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی، باید در برنامه‌های درسی جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. گنجاندن این مهارت‌ها در برنامه‌های درسی نه تنها به بهبود عملکرد دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های آینده آماده می‌سازد. نظام‌های آموزشی باید به این درک برسند که آموزش تنها به انتقال دانش علمی محدود نمی‌شود، بلکه پرورش انسان‌هایی با توانایی‌های ارتباطی و اجتماعی قوی نیز از اهداف مهم آموزش است.

منابع:

-Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child Development, 82*(1), 405-432.

-Elias, M. J., Zins, J. E., Weissberg, R. P., Frey, K. S., Greenberg, M. T., Haynes, N. M., ... & Shriver, T. P. (1997). *Promoting social and emotional learning: Guidelines for educators*. ASCD.

مهارت‌های اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی رشد فردی و موفقیت در زندگی، نقش مهمی در تعاملات انسانی ایفا می‌کنند. این مهارت‌ها شامل توانایی برقراری ارتباط مؤثر، همدلی، حل تعارض، کار گروهی و مدیریت احساسات هستند. با وجود اهمیت این مهارت‌ها، بسیاری از نظام‌های آموزشی هنوز به طور کامل آن‌ها را در برنامه‌های درسی خود جای نداده‌اند.

اهمیت مهارت‌های اجتماعی در زندگی شخصی، بلکه در محیط‌های تحصیلی و شغلی نیز حیاتی هستند. تحقیقات نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که از مهارت‌های اجتماعی قوی برخوردارند، عملکرد بهتری در مدرسه دارند و در آینده نیز در محیط‌های کاری موفق‌تر عمل می‌کنند (Durlak et al., 2011). این مهارت‌ها به افراد کمک می‌کنند تا با چالش‌های زندگی به شیوه‌ای مؤثر برخورد کنند و روابط سالم‌تری با دیگران برقرار سازند.

ضرورت گنجاندن مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی

نظام‌های آموزشی سستی اغلب بر یادگیری مفاهیم علمی و تئوری‌ها تأکید دارند و کم‌تر به پرورش مهارت‌های اجتماعی می‌پردازند. این در حالی است که آموزش این مهارت‌ها می‌تواند به بهبود جو مدرسه، کاهش تنش‌های بین دانش‌آموزان و آماده‌سازی آن‌ها برای مواجهه با دنیای واقعی کمک کند (Elias et al., 1997). گنجاندن مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا از سنین پایین با مفاهیمی مانند همدلی، احترام به دیگران و حل مسئله آشنا شوند.

راهکارهای عملی

(۱) آموزش مستقیم مهارت‌های اجتماعی: ایجاد دروس خاصی که به آموزش مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر و حل تعارض اختصاص یابند.





دکتر نعمت اله فاضلی
جامعه شناس، در گفت و گو با معلم نامه:

نظام آموزشی سوژه محور و قابلیت محور با مشارکت معلمان، مدیران، دانش آموزان و خانواده ها

اشاره: نعمت‌الله فاضلی انسان‌شناس، جامعه شناس و نویسنده ایرانی است. دکتر فاضلی استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می باشد. او دکترای خود را در رشته انسان‌شناسی اجتماعی از مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن در سال ۱۳۸۳ اخذ کرد. فاضلی آثار متعددی در حوزه انسان‌شناسی، مطالعات فرهنگی، مطالعات شهری و فرهنگ ایران معاصر تألیف و ترجمه کرده است. کتاب‌هایی مانند تاریخ فرهنگی ایران مدرن، مسئله ی مدرسه، زندگی روزمره ایرانی، الفبای زندگی خواندن و نوشتن به مثابه زیستن و پشت دریاها شهری است. در واپسین روزهای اسفندماه فرصتی شد در باب مهارت های اجتماعی با دکتر فاضلی گفتگو کنیم:

فارسی، آبادانی، استفاده کنم)، این است که فعالیت ها، سیاست‌گذاری ها و برنامه های دولت‌ها معطوف به گسترش قابلیت های افراد باشد، پروفیسور سن بر این باور بود که تباهی یا ویرانی جامعه یا همان ناآبادانی چیزی نیست جز فقر قابلیتی. سن استدلال می کند؛ آموزش و برنامه های جامعه برای آباد کردن زمانی به نتایج مطلوب می رسد که نه فقط رشد ثروت بلکه ارتقا قابلیت‌های افراد را داشته باشیم. قابلیت‌هایی که افراد بتوانند در زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شان کارآمد و توانمند باشند. به طوری که بتوانند از لحاظ فکری مساله ها رو خوب فهم کنند، برای حل مساله بتوانند خلاقانه تلاش کنند، انگیزه های کافی برای زندگی، برای اقتصاد و برای سامان جامعه از درونشان بجوشد. از این رو مفهوم فقر قابلیتی مهم است، یعنی جامعه ای منابع و داشته هایش زیاد باشد. مثل جامعه ایران؛ منابع طبیعی، تاریخ بلند، هنر و ورزش های اجتماعی در آن بسیار ریشه دار هستند و اما این داشته ها

گفتگو:

دکتر حمزه آبار

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان
مازندران



*** با سلام خدمت شما استاد گرانقدر و تبریک سال نو، در ابتدای گفت و گو می خواهیم تعریف شما از مهارت های اجتماعی را بدانیم و این که مهارت‌های اجتماعی چه جایگاهی در زندگی فردی و اجتماعی دارند؟**

- بنده هم خدمت شما و مخاطبانانتان عرض سلام دارم و امیدوارم سال پیش رو (۱۴۰۴) سالی توام با خوبی و خوشی برای همه مردم ایران باشد. سن اقتصاددان بلندآوازه در کتاب "توسعه به مثابه آزادی" اشاره کرد که شرط توسعه (ترجیح می دهم به جای توسعه از واژه ریشه دارتر



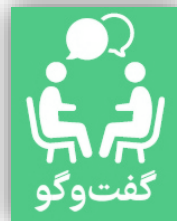
وقتی که
سواد را قابلیت
بدانیم معنایش این
است که خواندن و
نوشتن خوانایی و
نویسایی فقط جنبه
ذهنی یا شناختی
ندارد؛ جنبه عاطفی
و اجتماعی هم
دارد.

نمی‌خواهم اهمیت مهارت را نفی بکنم یا کلاً کنار بگذارم، برای این که می‌خواهم از یک زاویه دیگر صحبت کنم و آن مفهوم این است که مهارت، ناظر به یک وجه شناختی است. در کتابم الفبای زندگی در بحث انشا و در بحث سواد توضیح دادم، وقتی که سواد را قابلیت بدانیم معنایش این است که خواندن و نوشتن خوانایی و نویسایی فقط جنبه ذهنی یا شناختی ندارد؛ جنبه عاطفی و اجتماعی هم دارد. وقتی که فرد را طوری آموزش بدهیم که قابلیت خوانایی و نویسایی پیدا کند، یعنی به لحاظ عاطفی، اجتماعی، شناختی و یا ذهنی طوری پرورش بدهیم که آمادگی پیدا کند برای این که فرد قابل بشود. افراد قابل، ماهر هم هستند اما افراد ماهر لزوماً قابل نیستند. در نظر بگیرید افراد پرشماری که مهارت‌های زیادی دارند مثل نوشتن و خواندن که مدرسه به افراد آموزش می‌دهد اما از این مهارت خواندن و نوشتن استفاده نمی‌کنند یا عده زیادی اصلاً کتاب نمی‌خوانند. معنای این حرف این است که این افراد مهارت دارند اما قابلیت ندارند. فرض کنید کسی شنا بلد هست ولی استخر نمی‌رود این می‌شود مهارت. اما قابلیت‌های لازم برای این که بتواند از این مهارت استفاده کند را ندارد. برای این که بتواند شنا کند و از مهارت‌هایش استفاده کند باید برای سلامتی اهمیت زیادی قائل بشود و انگیزه زیادی برای حفظ سلامتی داشته باشد تا بتواند از مهارت شنا کردن استفاده کند و به استخر برود. برای این که فرد بتواند از مهارت‌های خواندن و نوشتنش استفاده کند. نیاز دارد به این که آمادگی عاطفی و اجتماعی داشته باشد. سراغ کتابخانه برود، کتاب امانت بگیرد و کتاب بخواند یا از مهارت نوشتن برای الگوی ارتباطات اجتماعی خودش استفاده کند.

هنوز منجر به آبادانی و آبادی کشور نشدند. دکتر فرشاد مومنی اقتصاددان بزرگ ایرانی در مقدمه‌ای که در کتاب فرهنگ و توسعه ترجمه کردند از این مساله با عنوان پارادوکس ایران اسم بردند. ناسازه‌ای که آشکارا دیده می‌شود، یعنی داشته‌ها فراوان، اما آب، آبادی و آبادانی دچار بحران. این پارادوکس ایران هست. پرفسور سن می‌گفت داشته‌ها کافی نیست، ما باید قابلیت‌ها را داشته باشیم. نظریه توسعه به مثابه آزادی به معنای این است که رشد صنایع یا افزایش درآمدها یا اقتصاد پررونق زمانی به آبادانی و توسعه می‌انجامد که منجر به آزادی فرد بشود و فرد زمانی آزاد می‌شود که بر فقر قابلیتش غلبه پیدا بکند. این که فرد انگیزه، آگاهی و اراده را داشته باشد. برای سلامتی خودش بیاموزد که چطور از دندان‌هایش، پوستش، بدنش و از سلامتش مراقبت کند، این قابلیت بهداشتی است. وقتی که این قابلیت پیدا بشود هزینه‌ها پایین می‌آید چون دیگر فرد درآمدها را صرف درمان نمی‌کند. وقتی که درباره اقتصاد زندگی صحبت می‌کنیم بدین معنا است که فرد قابلیت‌های لازم را پیدا کند تا بتواند برای کسب دانش و رشد خلاقیت‌های خودش خانواده و مدرسه هزینه بکند، در آن صورت افراد حتی با پول‌های کم هم این امکان رو پیدا می‌کنند که زندگی بهتری داشته باشند. بنابراین ترجیح می‌دهم که به جای کلمه مهارت از کلمه قابلیت استفاده کنم.

*** مخاطبین ما معلمان و دانشجو معلمان هستند.
این دو مفهوم قابلیت و مهارت رو چطور می‌توانیم
از هم جدا کنیم؟**

- در کتاب "الفبای زندگی" این را توضیح دادم. اول باید بدانیم این دو چه تفاوت‌هایی با هم دارند و ببینیم که چطور و کجا به نحو مناسبی به کار بگیریم.



* این نوع سواد که اشاره کردید در مدارس ما یک نوع مهارت هست یا قابلیت؟

- قبلاً به افرادی که به مدرسه و مکتب‌خانه می‌رفتند و قابلیت سواد داشتند باسواد می‌گفتند. باسواد یعنی آدمی که هوش و وجودش باسواد شده باشد. سواد شکلی از بودن است نه شکلی از داشتن.

برایان استریت در سال ۱۹۷۰ در پژوهشی در روستای چشمه طبس، نشان داد که چطور مکتب‌خانه‌ها افراد را باسواد می‌کرد و شخصی که در مکتب‌خانه باسواد می‌شد، فرد توانمندی می‌شد که حتی در کشاورزی، دامپروری، تجارت، بازرگانی و در زندگی اجتماعی و محیط محلی خودش به طرز فعالی مشارکت می‌کرد. اما امروز در مدرسه طوری آموزش سواد می‌دهیم که فرد مهارت سواد را پیدا می‌کند ولی قابلیت آن را پیدا نمی‌کند. یکی از کارها برای گسترش فضایی که فعالیت‌ها در سیستم آموزشی یا برنامه درسی بتواند منجر به نتایج اثربخش بشود این است که افق فکری را بازنمایی انتقادی کنیم. با زبان مهارت صحبت نکنیم بلکه با زبان قابلیت از سواد یا از چیزهای دیگر صحبت کنیم. زبانی که یادگیری را به عرصه شناختی و ذهنی تحلیل نمی‌دهد و محدود نمی‌کند، بلکه عرصه‌های یادگیری را عرصه شناختی، عاطفی و اجتماعی می‌داند. اگر از این زاویه به برنامه درسی و آموزش نگاه کنیم و بگوییم برنامه درسی قابلیت محور؛ در آن صورت ما دیگر نمی‌گوییم مهارت‌های اجتماعی، می‌گوییم قابلیت‌های اجتماعی. و ساختار آموزشی و برنامه درسی که بر قابلیت‌های اجتماعی استوار شود لازمه اش این است که فضای آموزشی تغییر کند. برای مثال شرط اینکه افراد بتوانند در مدرسه به گونه‌ای باسواد شوند که باسواد باشند.

* یعنی با توجه به آموخته‌ها و داشته‌هایی که داریم بتوانیم در زندگی تغییر ایجاد کنیم؟ منظور شما آخرین تعریف سواد یونسکو هست؟

- بله اون هم همین. باسواد بودن غیر از سواد داشتن هست. یعنی به بودن جدیدی برسند. یونسکو در دهه ۹۰ تحت تاثیر برایان استریت تحولاتش را درباره سواد، ایجاد کرد. مدل شناختی سواد که در یونسکو شکل گرفت

در دهه ۱۹۶۰ با پژوهش‌های استریت، به چالش کشیده شد.

البته مفهوم سواد از گستره کافی برخوردار هست. وقتی سواد را به مهارت تغییر دهیم عملاً ارزش‌ها را تغییر می‌دهیم. ولی اگر سواد رو قابلیت بدانیم در آن صورت نه تنها فضای آموزش، راهبردهای آموزش، فناوری‌های آموزش و هدف‌های آموزش تغییر می‌کنند بلکه بر اساس رویکرد قابلیت محور، انتظارات و افق‌های تازه‌ای پیدا می‌کنیم که مفهوم سواد شمول کاملی پیدا می‌کند. در برداشت مهارت محور؛ سواد، تکنیک‌های شناختی و ذهنی به افراد انتقال داده می‌شود. اما در رویکرد قابلیت محور سواد قابلیت است که جنبه‌های شناختی، عاطفی و روانی را در برمی‌گیرد و در عین حال همین برداشت است



که سواد رو به انواع سواد تقسیم می‌کند. سواد هنری، عاطفی، شهری، سواد اقتصادی و تجاری و سوادهای دیگر.

این سوادهای گوناگون ریشه در برداشت قابلیت محور سواد دارد. اگر بخواهید معلمان و کتاب‌های درسی و سازمان مدرسه رو بر پایه نگاه قابلیت محور جلو ببریم در آن صورت تلقی ما از دانش آموز هم تغییر می‌کند. چون در نگاه مهارت محور دانش آموز موجود منفعلی است که ما از طریق القانات، تلقین‌ها، اطلاعات و کتاب درسی تلاش می‌کنیم تا ذهن او را مانند سی دی یا حافظه نرم افزاری رایانه‌ای از اطلاعات و چیزهای دیگر پر کنیم. اما اگر نگاه ما قابلیت محور باشد دانش آموز را موجود فعال، عامل خلاق و مستقلى می‌دانیم که از سوژگی برخوردار است.



برای گسترش فضایی که فعالیت‌ها در سیستم آموزشی یا برنامه درسی بتواند منجر به نتایج اثربخش بشود این است که افق فکری را بازنمایی انتقادی کنیم.



در تجربه یادگیری خودش دخیل کند. الان نگاهی که به آموزش ما وجود دارد دانش آموز رو عریان و لخت می بیند. به این معنا که دانش آموز کسی است که لباس قومیت، مذهب، زبان، گویش، تفاوت های ژنتیکی، لباس سلیقه و ذائقه و ذوق خودش را وقتی وارد مدرسه می شود از تن بیرون می آورد. خب این نگاه از اون جایی که با واقعیت وجودی آدم ها سازگار نیست، تمام این لباس های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که در ژنتیک و وجود معنوی و اجتماعی او حک شده و هیچ دانش آموز یا حتی معلمی قادر نیست این ها را دور بریزد. در نتیجه وقتی وارد مدرسه می شود تعارضی پیدا می شود بین برنامه درسی با هستی و وجود خود دانش آموز و معلم. و این باعث می شود که دانش آموزان و معلمان هیچ کدام نتوانند از فضای آموزش تجربه یادگیری را تجربه کنند. این باعث می شود که با شکست روبرو شویم. نه سوژه شکل می گیرد نه سرباز. چون سوژه که اصلاً اساس مدرسه نیست که بخواد تقویت بشود. سرباز هم که اساس مدرسه هست با مقاومت دانش آموزان روبرو می شود. پیامد این وضعیت این است که به جای شکل گیری سوژه خلاق و پیشروی مشارکت جو، سوژه مقاوم شکل می گیرد. یک سوژه پیدا می شود در قالب مقاومت در برابر برنامه درسی. خب این جاست که وقتی در مدرسه از مهارت های اجتماعی یا مهارت های زندگی صحبت می کنیم عملاً نظام آموزشی در مهارت آموزی هم ناکارآمد هست.

*** در کتاب "مسئله مدرسه" در فصل اول و دوم راجع به مرگ مدرسه و آموزش مسئله شهروندی صحبت کردید. اگر قابلیت اجتماعی در مدرسه اتفاق نیفتد و محتوای صرف را به دانش آموزان بدهیم آیا مرگ مدرسه اتفاق می افتد؟ یعنی این که ما به وجوهی که اشاره کردید مثل مسائل شناختی عاطفی توجهی نمی کنیم:**

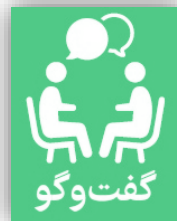
- بله. بخشی از قصه این است. فقط بخشی، تصویری که نظام آموزشی از دانش آموز دارد بر پایه نگاهی است که دانش آموز را لوح سفیدی می بیند که می خواهد چیزهایی را بر روی دانش آموز بنویسد و به او انتقال بدهد. و دانش آموز را سرباز خودش می داند و مدرسه رو پادگان. و معلم زندان بان آن جاست یا نگهبان پادگان است.

*** توصیه شما در خصوص برنامه درسی پنهان در باب افزایش مهارت ها یا به تعبیر شما قابلیت اجتماعی چیست و چطور تفسیر می کنید؟**

- نگاه قابلیت محور و سوژه محور نگاه متفاوتی است. در وضع موجود، مدرسه تلقی اش از دانش آموز سرباز است، نه سوژه. در نگاه سوژه محور همان طور که اشاره کردم اگر این نگاه قالب بشود و به وجود بیاید باید اتاق ها، فضای کلاس درس یا برنامه پنهان یا غیررسمی مدرسه و حتی آن چیزهایی که در مدرسه عرضه نمی شود باید چشم انداز طراحی بشوند که دانش آموزان بازیگران مدرسه باشند. حالا دانش آموز بازیگر باشد معنایش این است که دانش آموز بتواند تنوعات زبانی، قومی، مذهبی و هم چنین تفاوت های فرهنگی خودش را در مدرسه و

**تصویری که
نظام آموزشی از
دانش آموز دارد
بر پایه نگاهی
است که دانش
آموز را لوح
سفیدی می بیند
که می خواهد
چیزهایی را بر
روی دانش آموز
بنویسد و به او
انتقال بدهد. و
دانش آموز را
سرباز خودش می
داند و مدرسه رو
پادگان. و معلم
زندان بان آن
جاست یا نگهبان
پادگان است.**





* و شما این را یک چالش می دانید؟

- بله یک چالش نظری بزرگ. این مهارت آموزشی در دو مرحله شکست می خورد. در مرحله اول این که کم نیستند دانش آموزانی که حتی در سطح مهارت هم پذیرای دانش مدرسه ای نیستند. یعنی حتی خود سوادآموزی هم به شکست می خورد. دکتر حکیم زاده معاون آموزش ابتدایی اعلام کردند؛ ((۴۰ درصد دانش آموزان دچار فقر یادگیری اند.)) یعنی مدرسه حتی مهارت پایه را هم نمی تواند انتقال بدهد. در سطح دوم این است که آن دسته از دانش آموزانی که مهارت آموزشی می بینند از مهارت های خودشان استفاده نمی کنند، یعنی آن ۶۰ درصد به فرض خواندن و نوشتن را بدانند. خوانا و نویسا نیستند مثل شناگری که شنا بلد هست ولی شنا نمی کند. یا دوچرخه سواری که دوچرخه سواری بلد هست اما سوار دوچرخه نمی شود. منتها این که اگر نظام آموزشی ما بخواهد قابلیت محور بشود، شرطش این است که سوژه محور شود و مدرسه سوژگی به وجود بیاید و این شروطی دارد. یکی این است که مدرسه میدان بازی برای تنوعات فرهنگی و دینی باشد. دوم این که مدرسه این امکان رو فراهم بکند که مشارکت دانش آموزان و همه جنبه های مدرسه به وجود بیاید و یادگیری مشارکتی شکل بگیرد. سوم این که مدرسه اگر قابلیت محور بشود باید بتواند با تحولاتی که در بیرون مدرسه اتفاق می افتد سازگار و هماهنگ بشود. دانش آموزان در صورتی آموخته های برنامه درسی و مدرسه را درونی می کنند که این آموخته ها نه تنها تعارضی با زندگی واقعی روزمره نداشته باشد بلکه همسو با زندگی روزمره دانش آموزان در مدرسه باشد.

* در واقع دانش آموز آن چه را که در جامعه می بیند در مدرسه نیز مشاهده کند و قابل لمس باشد:

- رابطه ارگانیک، اندام وار و کارکردی مدرسه و زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زندگی روزمره شان باشد. تو کتابم "زندگی روزمره ایرانی" که اخیراً چاپ شده شرح دادم که زندگی روزمره اهمیت زیادی برای همه افراد از جمله کودکان و نوجوانان دارد. مدرسه امروز ایران و برنامه های درسی آن در تعارض با زندگی روزمره شهروندان است و این تعارض باعث می شود که مدرسه

نتواند قابلیت محور باشد، یعنی نتواند انگیزه ها، ساختار عاطفی، ساختار شناختی، وجوه رفتاری و اجتماعی دانش آموزان را باهم در کنار هم ارتقا بدهد.

* با توجه به نگاه قابلیت محوری که اشاره داشتید با ورود تکنولوژی در جامعه و مدارس، تعریف شما از عصر دیجیتال، فضای مجازی و هوش مصنوعی چیست؟

- ببینید ما چه بخواهیم چه نخواهیم در عصر دیجیتال و مجازی و هوش مصنوعی زندگی می کنیم. مسئله این نیست که دنیای دیجیتال یا هوش مصنوعی خوب یا بد است. مسئله این است که مدرسه با کدام افق و رویکرد دارد به جهان و زندگی نگاه می کند. اگر نگاه قابلیت محور و نگاه سوژه محور در مدرسه شکل بگیرد در آن صورت دنیای دیجیتال هم تعریف دیگری پیدا می کند. در نظام آموزشی مشکل بنیادی دیگری هم داریم، نگاه ما در مدرسه بر پایه نگاه روانشناسی زده و نگاه آسیب شناسانه است، نه نگاه مسئله شناسانه. به این معنا که در شناخت و تحلیل وضعیت دانش آموزان، معلمان و نظام آموزشی؛ تحلیلی فلسفی از کل آموزش تاریخ و بستر کلی تجدد در ایران نداریم. در نتیجه به تعدادی از رفتارهای دانش آموزان فقط نگاه می کنیم. در حوزه فضای مجازی؛ فناوری ها و تکنولوژی های آموزشی را آسیب می بینیم. این نگاه پاتولوژیک باعث می شود زمانی که ما در مدرسه حرف می زنیم، درک نظری عمیقی از موقعیت آموزش دانش آموزان شکل نگیرد. اگر نگاه ما به جای پاتولوژیک، مسئله شناسانه باشد در این صورت چشم اندازی تاریخی، تطبیقی و فلسفی خواهیم داشت که بیش از آن که مسئله مربوط به دانش آموزان باشد مسئله مربوط به کل نظام آموزشی است. طراحی این نظام با هدف هایی که انتخاب و مسیری که طراحی کرده و تلقی که از دانش آموز و معلم دارد در چشم انداز مسئله شناسانه قابل فهمند. اما در چشم انداز آسیب شناسانه ما فقط به چیزهای خیلی ساده رفتاری نگاه می کنیم یا چیزهای ایدئولوژیک. این که مثلاً بچه ها سیگار می کشند یا الکل مصرف می کنند یا هیجان دارند، شادی می کنند یا شرعیتشان را اجرا نمی کنند و امثال این ها. این نگاه آسیب شناسانه جزء نگر و روانشناسی زده امکان فهم اجتماعی از موقعیت امروز مدرسه را از ما سلب می کند.



ما چه بخواهیم چه نخواهیم در عصر دیجیتال و مجازی و هوش مصنوعی زندگی می کنیم. مسئله این نیست که دنیای دیجیتال یا هوش مصنوعی خوب یا بد است. مسئله این است که مدرسه با کدام افق و رویکرد دارد به جهان و زندگی نگاه می کند.



در سال‌های
اخیر به مدد
گسترش دانش
در زمینه
یادگیری و
گسترش رشته
های علوم تربیتی،
فلسفه تعلیم و
تربیت و
تکنولوژی
آموزشی،
مطالعات منابع
درسی و رشته
های دیگر تا
حدود قابل
توجهی نگاه‌های
واقع‌گرا،
مشارکتی و
قابلیتی در جامعه
ایران توسعه پیدا
کرده است.

یادگیری و گسترش رشته‌های علوم تربیتی، فلسفه تعلیم و تربیت و تکنولوژی آموزشی، مطالعات منابع درسی و رشته‌های دیگر تا حدود قابل توجهی نگاه‌های واقع‌گرا، مشارکتی و قابلیت در جامعه ایران توسعه پیدا کرده و هم شکست‌های برنامه‌های ایدئولوژیک در آموزش باعث شده که تغییراتی در حکمرانی آموزشی به وجود بیاید. یکی از همان تغییرات این است که تو کتاب‌های درسی بحث مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی و امثال این‌ها یا حتی افزایش اختیارات معلمان مثل همین برنامه بوم به وجود آمده است، باید قدر دان این تغییرات هم بود.

*** سال‌هاست که رویکرد کتاب‌ها دانش‌آموز محور شده است. در گذشته معلم محور بود، طی این سال‌ها تغییراتی در تالیف کتب درسی داشته ایم. این تغییرات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

- بله به وجود آمده اما هنوز کلیت نظام آموزشی نتوانسته این خواسته را برای تغییرات گسترش بدهد، همگانی کند و به ثمر بنشیند. از این رو باید همچنان مسئله مدرسه را این دانست که چرا واقعاً مدرسه نمی‌تواند تغییرات ضروری را در خودش ایجاد بکند. یکی از دلایل این است مثلاً فرض کنید همان طور که شما اشاره کردید در مدارس می‌خواهند مهارت نه گفتن، تفکر انتقادی و خویشتنداری را یاد بدهند. به معلمان اجازه می‌دهند که برنامه بوم را اجرا کنند، اگر چه این تحولات نشان می‌دهد نیت خیرخواهانه‌ای هم در نظام حکمرانی آموزشی وجود دارد اما این تحولات وقتی در عمل اتفاق می‌افتد که مهارت نه گفتن یا کنترل خویشتن فقط یک بخش فردی روانشناختی نیست بلکه مستلزم این است که اگر می‌خواهید دانش‌آموزی نه گفتن را یاد بگیرد یا بتواند خشم خود را کنترل کند؛ نگاه‌های تبعیض نژادی نداشته باشد، مدارا و تساهل را یاد بگیرد یا بتواند تفکر انتقادی داشته باشد و در مواجهه با رسانه تجزیه و تحلیل و پرسشگری بکند.

*** به رسانه، تجزیه و تحلیل و پرسشگری اشاره داشته اید. آیا منظور شما سواد و تربیت رسانه‌ای هست؟**

- دقیقاً و همه این‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که جریان قالب رسمی بر نظام حکمرانی آموزشی در عمل این ایده

*** بحث آسیب‌ها را مطرح کردید، معمولاً در برخی از مدارس مشاور داریم. در کنار مشاور حضور یک جامعه‌شناس چقدر می‌تواند در کاهش آسیب‌ها موثر باشد؟**

- نکته شما درست است. ما در نظام آموزشی بینش اجتماعی و جامعه‌شناختی و تاریخی نداریم. و این باعث شده که عملاً تنوعات فرهنگی، زبانی، مذهبی و اجتماعی



دیگر به صورت عامل مهمی که شخصیت دانش‌آموز را می‌سازد دیده نشود. و همین باعث می‌شود که احساس نکنیم که در همان فضای مدرسه نه نظام کل هم وجود روانشناس بی معنا باشد. تصویری که من از نظام آموزشی دارم این است که برای ارتقا و بهبود کیفیت آموزش نیازمند این هستیم که نگاهی فرارشته‌ای در طراحی سیستم داشته باشیم. الان این سیستم آموزشی که داریم به نحو موثر از بینش‌های فرا رشته‌ای برخوردار نیست.

نمی‌توان بحث مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های زندگی را در نظام آموزشی مستقل از روح سیاسی و فرهنگی حاکم به مدرسه و برنامه درسی شناخت و تحلیل کرد. با توجه به این نگاه به این نیاز داریم که به جای زبان و گفتن مهارت محور از زبان و گفتن قابلیت محور صحبت کنیم و به این جا رسیدیم که دیدیم که چطور در نظام آموزشی همیشه کلبی وجود دارد که ایدئولوژیک هست و ناظر به واقعیت‌ها نیست.

در سال‌های اخیر به مدد گسترش دانش در زمینه



بچه ها از روابط با همدیگر، از بازی تو حیاط مدرسه، روابط معلمان با دانش آموزان و با هم دیگر، قوانین آموزشی و تکنولوژی های آموزشی یاد می گیرند.

را پذیرفته باشند که بچه های جدید با نظام ارزش های جدید بزرگ می شوند و نمی توانند لزوماً خودشان را با ارزش های رسمی هماهنگ کنند. مقوله ای که اشاره کردم مهارت ها را با قابلیت ها باز تعریف بکنند، و آخرین نکته هم این که در نظر داشته باشیم که درونی کردن هر چیزی از جمله کنترل خود و کنترل خشم خود یا نه گفتن یا برنامه بوم که اشاره کردید زمانی موثر واقع می شود که یکپارچگی آموزش به وجود بیاید یعنی همه عناصر برنامه درسی آشکار و پنهان و همه عناصر نظام حکمرانی آموزشی این قابلیت نه گفتن، قابلیت کنترل خشم یا قابلیت مدارا در مدرسه تمرین بشود، شکل بگیرد. نه این که فقط دو تا کلاس و کارگاه بگذاریم و بگوییم خب این را یاد بگیرند.

*** برای افزایش مهارت های اجتماعی یا به تعبیر درست تر قابلیت اجتماعی با توجه به حجم زیاد کتاب درسی چه پیشنهادی دارید؛ کم کردن حجم کتاب درسی یا استفاده همزمان از تجارب یادگیری و تجارب زیسته همسالان؟**

- کتاب درسی برای آموزش مهم و ضروری است. هرگز هیچ کس نمی تواند کتاب درسی را از نظام آموزش حذف کند، بحث من هم حذف کتاب درسی نیست. حرف من این است که تجربه یادگیری بچه ها فقط یک جزئیات کتاب های درسی است نه بیشتر، بچه ها از روابط با همدیگر، از بازی تو حیاط مدرسه، روابط معلمان با دانش آموزان و با هم دیگر، قوانین آموزشی و

تکنولوژی های آموزشی یاد می گیرند. تکیه افراطی بر کتاب درسی بحران زا شده است. کتاب درسی هم کالایی که می شود تولید کرد، توزیع کرد. اما معنایش این نیست که اگر هرکس این کتاب را بخواند همان چیزهایی را یاد می گیرد که مورد انتظار نظام حکمرانی است. ما نیاز داریم به این که تعدیل در نظام آموزشی ایجاد کنیم. مثلاً به اهمیت نقش معلم توجه کنیم، به اهمیت نقش دانش آموز توجه جدی بکنیم. به اهمیت معماری و طراحی مدرسه، به اهمیت فناوری های آموزشی، به اهمیت رسانه و تمام این ها باید توجه بکنیم.

*** آقای دکتر، از این که وقت ارزشمندان را به کمیته مرکزی معلمان و معلم نامه اختصاص دادید و ارائه مباحث ارزشمندان، بی نهایت سپاسگزاریم. برایتان سلامتی و موفقیت های روزافزون آرزو مندیم. برای جمع بندی و نکته پایانی در خدمت شما هستیم:**

- نظام آموزشی اگر بخواهد سوژه محور، قابلیت محور و خلاق باشد یا بشود باید گفتگو را درون مدرسه با مشارکت معلمان، مدیران، دانش آموزان و خانواده ها ایجاد کند. هم چنین مدیران آموزشی هم باید سهیم باشند و حتی مهم تر در حوزه عمومی یعنی رسانه ها، آموزش باید فراگیر باشد. متأسفانه فراگیر نیست ما از طرح گفتگو در باب بازاندیشی نظام آموزشی و برنامه درسی رنج می بریم. سلامت باشید.





برنامه درسی

آموزش مهارت‌های اجتماعی

در دنیای امروز

مقاله

فرحناز قاسمیان 

گروه آموزش تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان تهران

دانش‌آموزان کمک کند تا در زمینه‌های مورد علاقه خود پیشرفت کنند و در زمینه‌های ضعیف خود بهبود یابند. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی در آموزش بدون چالش نیست و یکی از چالش‌های اصلی، نگرانی در مورد حفظ حریم خصوصی داده‌های دانش‌آموزان است. بنابراین دانش‌آموزان امروزی، نسل جدیدی هستند که با چالش‌های خاص خود در دنیای امروز روبرو هستند. آن‌ها در مقایسه با نسل‌های گذشته، در محیطی پر از اطلاعات و تکنولوژی زندگی می‌کنند و به همین دلیل، نیازمند آموزش و تربیت متناسب با این شرایط هستند. از این رو محقق به دنبال این است که در برنامه درسی دنیای امروز، مهارت اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان را بررسی کند.



مقدمه

در دنیای امروز، فضای مجازی به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی ما تبدیل شده است. دانش‌آموزان نیز به طور فزاینده‌ای از این فضا برای یادگیری، ارتباط با دوستان و خانواده و سرگرمی استفاده می‌کنند. اما این استفاده گسترده از فضای مجازی، چالش‌های جدیدی را برای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به وجود آورده است. در گذشته، دانش‌آموزان در محیط‌های حضوری، فرصت‌های زیادی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی مانند ارتباط کلامی، همکاری، رهبری و همدلی داشتند. اما در فضای مجازی، این فرصت‌ها به طور قابل توجهی کاهش یافته است. تعاملات آنلاین اغلب به صورت متنی و بدون نشانه‌های غیرکلامی مانند زبان بدن و لحن صدا انجام می‌شود. این امر می‌تواند درک و تفسیر پیام‌ها را دشوارتر کند و به سوء تفاهم و اختلافات منجر شود. علاوه بر این، دانش‌آموزان در فضای مجازی ممکن است با افراد ناشناس و یا افرادی که از نظر فرهنگی و اجتماعی با آن‌ها تفاوت دارند، ارتباط برقرار کنند. این امر می‌تواند چالش‌های جدیدی را برای مهارت‌های اجتماعی آن‌ها ایجاد کند (تقی زاده و کیا، ۱۳۹۳). از سویی هوش مصنوعی به سرعت در حال تغییر دنیای ماست و آموزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. هوش مصنوعی در حال حاضر به ابزاری قدرتمند در زمینه آموزش تبدیل شده است و می‌تواند به بهبود کیفیت یادگیری و آموزش کمک کند. یکی از مزایای استفاده از هوش مصنوعی در آموزش، امکان ارائه آموزش‌های شخصی‌سازی شده به هر دانش‌آموز است (آقاجانی، ۱۴۰۳). این امر می‌تواند به





مقاله



مهارت‌های زندگی
و شغلی و مدیریت
اطلاعات در
شبکه‌های دیجیتال
به عنوان
مهارت‌های قرن
بیست و یکم
شناخته می‌شوند.
این مهارت‌ها قابل
آموزش هستند و
برای موفقیت در
دنیای امروز
ضروری.

مهارت اجتماعی

توسعه مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان یکی از مولفه‌های مهم آموزشی است. در دنیای امروز، مهارت‌های اجتماعی به عنوان یک نیاز اساسی برای زندگی بهتر شناخته می‌شوند. این مهارت‌ها به ما کمک می‌کنند تا با چالش‌ها و ضروریات زندگی روزمره خود به طور سازگارانه و مثبت کنار بیاییم. سازمان جهانی بهداشت؛ مهارت‌های اجتماعی را به عنوان توانایی انجام رفتارهای سازگارانه و مثبت تعریف می‌کند که به افراد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی خود کنار بیایند. این مهارت‌ها در طول زندگی به تدریج آموخته می‌شوند و به ما در مسیر موفقیت همراهی می‌کنند (بابانژاد و همکاران، ۱۴۰۱). اما هرچه یادگیری این مهارت‌ها دیرتر انجام شود، احتمال موفقیت و زندگی بهتر برای شخص کم تر می‌شود. مهارت‌های اجتماعی از سنین پایین به افراد آموزش داده می‌شوند تا بتوانند به طور موثر با دیگران ارتباط برقرار کنند و در گروه‌ها فعالیت کنند. مدرسه به عنوان یک پایگاه مهم آموزشی، نقش غیرقابل انکاری در تربیت دانش‌آموزان دارد. علاوه بر آموزش‌های رسمی، مدرسه می‌تواند از طریق فعالیت‌های فوق برنامه و تعاملات اجتماعی، به دانش‌آموزان کمک کند تا مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند.

مهارت‌های اجتماعی دارای ابعاد و مؤلفه‌های متفاوتی هستند. کرانی و برن (۲۰۰۶) مهارت اجتماعی را شامل چهار بعد می‌دانند:

- مهارت‌های پایه‌ای؛ مثل مشاهده.
- مهارت‌های تعاملی؛ مثل گفت‌وگو و همکاری.
- مهارت‌های عاطفی؛ مانند خودآشنایی و تشخیص احساسات خود.
- مهارت‌های شناختی؛ مثل مطالعه، تفکر، نقادی و پرسش.

تفاوت مهارت اجتماعی دانش‌آموزان امروز و دیروز

در گذشته، روش‌های تدریس به دنبال یافتن راه‌های بهتر برای آموزش بودند. الگوهای تدریس براساس

تحقیقات معلمان و دانشمندان علوم رفتاری، به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شدند:

الگوهای اجتماعی، پردازش اطلاعات، الگوهای انفرادی و سیستم‌های رفتاری (زانوتینی و لیتل، ۲۰۲۲).

این الگوها در واقع الگوهای یادگیری هستند و معلمان در حین آموزش اطلاعات، نحوه یادگیری درست را نیز به دانش‌آموزان می‌آموزند. نحوه تدریس تأثیر زیادی بر توانایی دانش‌آموزان دارد. معلمان موفق فقط اطلاعات را ارائه نمی‌دهند، بلکه دانش‌آموزان را به انجام وظایف اجتماعی سالم تشویق می‌کنند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲). اما در دنیای امروز که فناوری و اطلاعات با سرعت زیادی در حال پیشرفت هستند، روش‌های سنتی آموزش دیگر پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان نیستند. دانش‌آموزان به مهارت‌های متفاوتی نیاز دارند و این تفاوت‌ها در نحوه یادگیری، مهارت‌های اجتماعی و حتی نحوه تفریح و سرگرمی آن‌ها دیده می‌شود. دانش‌آموزان امروز به دنبال یادگیری‌هایی هستند که آن‌ها را درگیر کند، به چالش بکشد و به رشد و توسعه توانایی‌های فردی آن‌ها کمک کند. یکی از روش‌های موثر آموزش، یادگیری فعال است. در این روش، دانش‌آموزان به جای این که فقط شنونده باشند، به طور فعال در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کنند. مهارت‌هایی مانند حل مسئله، تفکر انتقادی، خلاقیت و نوآوری، مهارت‌های زندگی و شغلی و مدیریت اطلاعات در شبکه‌های دیجیتال به عنوان مهارت‌های قرن بیست و یکم شناخته می‌شوند. این مهارت‌ها قابل آموزش هستند و برای موفقیت در دنیای امروز ضروری. الگوی اشور یکی از الگوهای است که به معلمان کمک می‌کند تا فعالیت‌های آموزشی خود را به طور مؤثر برنامه‌ریزی کنند (بابانژاد و همکاران، ۱۴۰۱).

بنابراین در گذشته، والدین به دلیل سطح سواد پایین‌تر، اهمیت زیادی به درس و تحصیل فرزندان خود نمی‌دادند. اما امروزه، با افزایش سطح سواد و آگاهی، والدین بیشتر به دنبال پیشرفت تحصیلی فرزندان خود هستند. یکی از تفاوت‌های مهم دیگر، نقش فناوری در



مقاله



یکی از مهم ترین مهارت های اجتماعی که در آلمان به دانش آموزان آموزش داده می شود، برنامه ریزی منظم است. این مهارت به دانش آموزان کمک می کند تا زمان خود را به طور موثر مدیریت کنند، وظایف خود را اولویت بندی کنند و به طور منظم به اهداف خود برسند.

می گیرند. از جمله چگونه به طور موثر با دیگران ارتباط برقرار کنند، نظرات خود را به طور واضح بیان کنند و به دیگران گوش دهند. علاوه بر این، دانش آموزان آلمانی مهارت های همکاری را نیز یاد می گیرند. به دیگران احترام بگذارند و به طور مشترک به اهداف مشترک برسند. در نهایت، دانش آموزان آلمانی مهارت های تفکر انتقادی را نیز یاد می گیرند، که چگونه اطلاعات را به طور انتقادی ارزیابی کنند، استدلال های منطقی ارائه دهند و به طور مستقل تصمیم گیری کنند (یاری وند و همکاران، ۱۴۰۲). آموزش این مهارت ها به دانش آموزان آلمانی به آن ها کمک می کند تا به شهروندان مسئول و فعال در جامعه تبدیل شوند. سیستم آموزشی آلمان به طور کلی سیستم آموزشی با کیفیت خوب را در همه سطوح ارائه می دهد. این کشور در خواندن و ریاضیات رتبه ۲۰ و در علم رتبه ۱۶ را در جهان کسب کرد و این نشان می دهد که آلمان به طور جدی به آموزش مهارت های اجتماعی و علمی دانش آموزان خود اهمیت می دهد.

مهارت های اجتماعی مورد نیاز دانش آموزان کشور فنلاند در دنیای امروزی

در دنیای امروز، فناوری به سرعت در حال پیشرفت است و برای موفقیت در رقابت، کسب دانش و مهارت ضروری است. کشورهای پیشرفته مانند فنلاند به این نتیجه رسیده اند که آموزش ابتدایی و متوسطه نیز باید به روز شوند. زیرا آموزش ابتدایی فرصتی برابر برای همه کودکان فراهم می کند و پایه و اساس آموزش و پرورش محسوب می شود. سیستم آموزشی فنلاند به عنوان یکی از بهترین سیستم های آموزشی جهان شناخته شده است. در فنلاند، کودکان قبل از رسیدن به سن دبیرستان، در دوره پرورش خردسالان شرکت می کنند. این دوره به رشد و رفاه کودک و پیشبرد برابری در امر آموزش کمک می کند. در این دوره، کودک مهارت های اجتماعی، زبانی، دستی و اطلاعات مختلفی را یاد می گیرد. در فنلاند، آموزش اخلاق سکولار جایگزین آموزش دینی شده است. این موضوع از سال ۱۹۸۵ در سراسر مدارس جامع ارائه می شود و به ویژه

زندگی دانش آموزان است. در گذشته، بازی های کودکان بیشتر جنبه فیزیکی و اجتماعی داشت. اما امروزه، بازی های دیجیتال و استفاده از گوشی های هوشمند و تبلت ها، بخش مهمی از زندگی دانش آموزان را تشکیل می دهد. با وجود این تغییرات، مهارت های اجتماعی دانش آموزان نیز تغییر کرده است. دانش آموزان امروز به دلیل استفاده از شبکه های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی، از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند. آن ها به راحتی با دیگران ارتباط برقرار می کنند و از مهارت های ارتباطی قوی تری برخوردارند. در نهایت، باید به یاد داشته باشیم که هر نسل با چالش ها و فرصت های خاص خود روبرو است. وظیفه ما به عنوان والدین و معلمان، کمک به دانش آموزان برای تطبیق با این تغییرات و آماده شدن برای آینده است.

مهارت های اجتماعی مورد نیاز دانش آموزان کشور آلمان در دنیای امروزی

در دنیای امروز، مهارت های اجتماعی برای موفقیت در زندگی شخصی و حرفه ای بسیار مهم هستند. در آلمان، سیستم آموزشی به طور ویژه ای بر آموزش این مهارت ها به دانش آموزان تمرکز دارد. این کشور به دنبال پرورش افرادی است که بتوانند به طور موثر در جامعه زندگی کنند و به طور مثبت در آن مشارکت داشته باشند. یکی از مهم ترین مهارت های اجتماعی که در آلمان به دانش آموزان آموزش داده می شود، برنامه ریزی منظم است. این مهارت به دانش آموزان کمک می کند تا زمان خود را به طور موثر مدیریت کنند، وظایف خود را اولویت بندی کنند و به طور منظم به اهداف خود برسند. در آلمان، برنامه درسی بر یادگیری شایسته محور در یک محیط ساختار یافته متمرکز است که امکان یک جامعه طبق قوانین و مقررات قانون اساسی را فراهم می کند. مهارت دیگر که در آلمان به دانش آموزان آموزش داده می شود، حل مسئله است. این مهارت به دانش آموزان کمک می کند تا با چالش های مختلف زندگی روبرو شوند و راه حل های خلاقانه برای آن ها پیدا کنند. دانش آموزان آلمانی هم چنین مهارت های ارتباطی قوی را یاد



مقاله



در فنلاند، برای
کودکان ۹ تا ۱۵
ساله، مهارت‌هایی
مانند درست
لباس پوشیدن،
درست راه رفتن،
خوب حرف زدن،
منظم بودن، شعر
خواندن، نقاشی
کردن، نوشتن،
ترانه و دکلمه
خواندن و
بهداشت آموزش
داده می‌شود. این
مهارت‌ها به دانش
آموزان کمک
می‌کنند تا در
زندگی روزمره
موفق تر باشند

برای دانش آموزانی که غیر وابسته هستند، فراهم می‌شود. آموزش اخلاق سکولار به دانش آموزان کمک می‌کند تا دیدگاه‌های مختلف در مورد مذاهب و جهان‌بینی‌ها را درک کنند و مهارت‌های تعاملی، اجتماعی و انتقادی خود را تقویت کنند. در فنلاند، مهارت‌های کاربردی در زندگی به همان اندازه دانش مهم هستند (نقدی، ۱۳۹۹). در این کشور، برای کودکان ۹ تا ۱۵ ساله، مهارت‌هایی مانند درست لباس پوشیدن، درست راه رفتن، خوب حرف زدن، منظم بودن، شعر خواندن، نقاشی کردن، نوشتن، ترانه و دکلمه خواندن و بهداشت آموزش داده می‌شود. این مهارت‌ها به دانش آموزان کمک می‌کنند تا در زندگی روزمره موفق تر باشند. در کل، سیستم آموزشی فنلاند براساس اصول برابری، مهارت‌های کاربردی، آموزش اخلاق سکولار و توجه به نیازهای ویژه کودکان طراحی شده است. این سیستم به دانش آموزان کمک می‌کند تا به افراد مستقل، خلاق و مسئولیت پذیر تبدیل شوند.

مهارت های اجتماعی مورد نیاز دانش آموزان کشور آمریکا در دنیای امروزی

در دنیای امروز، مهارت‌های اجتماعی برای دانش آموزان آمریکایی بسیار مهم هستند و این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کنند تا در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود موفق شوند. از جمله مهارت های اجتماعی دانش آموزان، توانایی ارتباط موثر است که بتوانند به طور واضح و مختصر صحبت کنند، به دیگران گوش دهند و به طور موثر با دیگران تعامل کنند. و نیز مهارت حل مسئله تا بتوانند به طور منطقی و خلاقانه به چالش‌ها و مشکلات پاسخ دهند. علاوه بر این،

دانش آموزان باید بتوانند به طور مستقل کار کنند و به طور موثر در گروه‌ها کار کنند (تقوی و قانع پور، ۱۴۰۲). سیستم آموزشی آمریکا به طور کلی بر روی توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان تمرکز دارد. در مدارس آمریکایی، دانش آموزان در فعالیت‌های مختلفی مانند بحث و گفتگو، کار گروهی و حل مسئله شرکت می‌کنند. این فعالیت‌ها به دانش آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی خود را توسعه دهند و برای زندگی در دنیای امروز آماده شوند (ذبایحی و همکاران، ۱۳۹۷).

چالش و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان دنیای امروزی

- چالش فشار تحصیلی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های دانش آموزان امروزی، فشار تحصیلی است. این فشار می‌تواند از منابع مختلفی مانند انتظارات والدین، معلمان، دوستان و جامعه نشأت بگیرد. دانش آموزان ممکن است احساس کنند که باید همیشه بهترین باشند و در همه زمینه‌ها موفق شوند. این فشار می‌تواند منجر به اضطراب، استرس، افسردگی و حتی مشکلات جسمی شود. برای مقابله با فشار تحصیلی، دانش آموزان به مهارت‌های اجتماعی قوی نیاز دارند. این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کنند تا با چالش‌های اجتماعی و روانی به طور موثرتر کنار بیایند (روشندل و همکاران، ۱۴۰۳).

مهارت‌های اجتماعی مانند برقراری ارتباط موثر، همدلی، همکاری، حل تعارض و تصمیم‌گیری، به دانش آموزان کمک می‌کنند تا به طور موثرتری با همسالان، معلمان و دیگر افراد محیط آموزشی ارتباط برقرار کنند و



مقاله



سواد رسانه‌ای

به معنای درک و تحلیل رسانه‌ها و محتوای آن‌ها است. این مهارت به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اطلاعات را از منابع مختلف شناسایی و به درستی تفسیر کنند. سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از رسانه‌ها به طور مسئولانه استفاده کنند

تواند بر روی سلامت روان و تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارد.

برای مقابله با این چالش‌ها، والدین و معلمان باید نقش فعالی در آموزش دانش‌آموزان در مورد استفاده ایمن و مسئولانه از اینترنت داشته باشند. آن‌ها باید به دانش‌آموزان یاد بدهند که چگونه از اینترنت به طور مثبت و سازنده استفاده کنند و از خطرات آن آگاه باشند. هم چنین، دولت باید در زمینه توسعه زیرساخت‌های آموزش مجازی و ارائه آموزش‌های لازم به معلمان و والدین سرمایه‌گذاری کند. دانش‌آموزان به منابع اطلاعاتی متنوعی دسترسی دارند و می‌توانند از طریق اینترنت، به دانش و مهارت‌های جدیدی دست پیدا کنند. از این رو، آموزش سواد رسانه‌ای برای آن‌ها بسیار مهم است (رضایی و عشریه، ۱۳۹۶).

سواد رسانه‌ای به معنای درک و تحلیل رسانه‌ها و محتوای آن‌ها است. این مهارت به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا اطلاعات را از منابع مختلف شناسایی و به درستی تفسیر کنند. سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا از رسانه‌ها به طور مسئولانه استفاده کنند و از تأثیرات منفی احتمالی آن‌ها، مانند اخبار جعلی و تبلیغات گمراه‌کننده، آگاه شوند. این مهارت به تقویت تفکر انتقادی کمک می‌کند و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا نظرات مختلف را بررسی کرده و تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. از سویی سواد رسانه‌ای ارتباط نزدیکی با سوادهای دیداری، تحلیلی و اینترنتی دارد. با گسترش شبکه‌های اجتماعی، سواد رسانه‌ای مفاهیم و ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری پیدا کرده است. با استفاده از سواد رسانه‌ای می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات رسانه‌ای را از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد. دانش‌آموزان باید بتوانند اطلاعات را از منابع مختلف شناسایی کرده و به درستی تفسیر کنند. آن‌ها باید بتوانند اخبار واقعی و غیرواقعی را از هم تشخیص دهند و اطلاعات را از منابع باکیفیت دریافت کنند. این مهارت‌ها به آن‌ها کمک می‌کند تا در دنیای پیچیده رسانه‌ها به طور موثر و آگاهانه عمل کنند.

مشکلات را حل کنند. مهارت حل مسئله نیز یکی از مهارت‌های مهمی است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با چالش‌های تحصیلی و زندگی روبرو شوند. این مهارت به آن‌ها کمک می‌کند تا توانایی تفکر انتقادی، خلاقیت و تصمیم‌گیری را در خود تقویت کنند. مهارت حل مسئله نه تنها در موضوعات درسی، بلکه در زندگی اجتماعی و حرفه‌ای آینده نیز نقش اساسی دارد. دانش‌آموزان باید مهارت‌های تحصیلی را نیز یاد بگیرند تا بتوانند به طور موثرتر مطالعه کنند و یاد بگیرند. این مهارت‌ها شامل روش‌های مطالعه، مدیریت زمان، سازماندهی اطلاعات و یادگیری فعال است.

- چالش سواد رسانه‌ای

دنیای مجازی به سرعت در حال تغییر و توسعه است و این تغییرات بر زندگی همه ما، از جمله دانش‌آموزان، تأثیر گذاشته است. دانش‌آموزان امروزی با دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی روبرو هستند که می‌تواند بر رفتار و تفکر آن‌ها تأثیر بگذارد. در حالی که اینترنت فرصت‌های زیادی برای یادگیری و ارتباطات فراهم می‌کند، چالش‌های خاص خود را نیز به همراه دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، دسترسی دانش‌آموزان به محتوای نامناسب و خطرناک در اینترنت است. در گذشته، دسترسی به اینترنت برای دانش‌آموزان محدود بود، اما با شیوع ویروس کرونا، استفاده از اینترنت برای آموزش اجتناب‌ناپذیر شده است. این موضوع نگرانی‌های زیادی را برای والدین و معلمان ایجاد کرده است، زیرا آن‌ها نگران تأثیر اینترنت بر روی فرزندانشان هستند. یکی از چالش‌های اصلی، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای آموزش مجازی در ایران است. بسیاری از خانواده‌ها مجبور هستند که برای فرزندانشان تلفن همراه و اینترنت تهیه کنند تا بتوانند در کلاس‌های مجازی شرکت کنند. این موضوع می‌تواند برای خانواده‌های کم‌درآمد دشوار باشد (مظاهری فروشانی، ۱۴۰۳). علاوه بر این، دانش‌آموزان در دنیای مجازی با چالش‌های دیگری مانند اعتیاد به اینترنت، قلدری آنلاین، و دسترسی به اطلاعات نادرست مواجه هستند و لذا این چالش‌ها می



مقاله

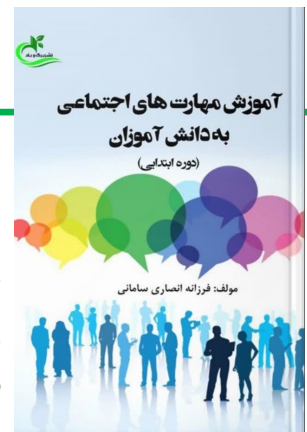
نتیجه گیری

برنامه درسی آموزش مهارت‌های اجتماعی یک موضوع مهم در آموزش و پرورش است. هدف اصلی این برنامه، آماده کردن دانش‌آموزان برای حضور مؤثر در جامعه و درک ساختارها، کارکردها و فرهنگ جامعه است. مدرسه به عنوان یک پایگاه مهم آموزشی، نقش مهمی در پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد. برنامه درسی فقط یک ابزار است. هدف اصلی، پرورش دانش‌آموزانی است که بتوانند به طور مستقل فکر کنند، خلاق باشند و به طور مؤثر در جامعه عمل کنند. برای رسیدن به این هدف، باید از روش‌های نوین و خلاقانه در آموزش استفاده کنیم و به طور مداوم برنامه درسی را به روز کنیم. دانش‌آموزان در محیطی رقابتی قرار دارند و باید در کنار درس‌های مدرسه، به فعالیت‌های مختلفی مانند ورزش، موسیقی و هنر بپردازند. با تلاش مشترک والدین، معلمان و دولت، می‌توان از دنیای مجازی به عنوان یک ابزار قدرتمند

برای آموزش و رشد اجتماعی دانش‌آموزان استفاده کرد. در کنار چالش‌ها، دانش‌آموزان امروزی فرصت‌های جدیدی نیز دارند. آن‌ها باید به دانش‌آموزان کمک کنند تا با رسانه‌ها به طور آگاهانه و مسئولانه تعامل داشته باشند. این امر به آن‌ها کمک می‌کند تا از خطرات احتمالی رسانه‌ها در امان بمانند و از مزایای آن به طور کامل بهره‌مند شوند و هم چنین استفاده از هوش مصنوعی در آموزش نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و توجه به جنبه‌های اخلاقی و اجتماعی آن است. مهم است که اطمینان حاصل شود که هوش مصنوعی به طور عادلانه و برابر برای همه دانش‌آموزان استفاده می‌شود و به جای تشدید نابرابری‌های موجود، به کاهش آن‌ها کمک می‌کند. بنابراین برنامه درسی آموزش مهارت‌های اجتماعی یک ابزار مهم برای پرورش دانش‌آموزان با مهارت‌های اجتماعی قوی است. این برنامه می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در جامعه به طور مؤثر عمل کنند و زندگی سالم و سازنده‌ای داشته باشند.

منابع

- آقاجانی، امیرحسین. (۱۴۰۳). هوش مصنوعی: دروازه‌های نوین به سوی آموزش شخصی سازی شده و یادگیری هوشمند. نخستین همایش ملی رهیافت‌های نوین برنامه درسی ملی در زیست بوم جدید، ارومیه
- بابانژاد، مریم؛ برومند، شیدا؛ حسنون، سمیه و عزیزاللهی، فریبا. (۱۴۰۱). توسعه مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان. دومین کنفرانس بین‌المللی ایده‌های نوین در فقه، حقوق و روانشناسی، تهران
- تقی زاده، عباس، و کیا، علی اصغر. (۱۳۹۳). نیازسنجی برنامه آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس. نشریه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۱۵(۲۶) (مسلسل ۵۸)، ۷۹-۱۰۳
- تقوی، سیدمحمدعلی و قانع پور، مهران. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی نظام آموزش و پرورش ابتدایی ایران و آمریکا. اولین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه، بابل
- ذبایچی، امیرحسین؛ کوهبر، محمدهادی و عبداللهی، مهدی. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی ساختار نظام آموزشی و تربیت معلم دو کشور ایران و آمریکا. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی
- رضایی، محسن و عشریه، رحمان. (۱۳۹۶). سواد رسانه‌ای، خانواده، فرصت‌ها و چالش‌ها. دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت
- روشندل، زهرا؛ امیدواری، فائزه؛ برماس، پریسا و رضایی، مریم. (۱۴۰۳). اثر فشار تحصیلی بر سلامت روان دانش‌آموزان و راه‌های مقابله با آن. اولین همایش ملی مهارت‌های معلمی، مسجد سلیمان
- قربانی، روح‌الله؛ کولیوند، احمد؛ واحدی، قاسم و بیات، محسن. (۱۴۰۲). بررسی مزیت‌ها و راهکارهای آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان. اولین همایش بین‌المللی معلمان برتر و مدارس پیشرو در هزاره سوم، بوشهر
- مظاهری فروشانی، الناز. (۱۴۰۳). چالش‌های مربوط به آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس (با تأکید بر دوره‌ی ابتدایی و متوسطه اول)، دومین همایش بین‌المللی جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و آموزش و پرورش با رویکرد نگاهی به آینده، بوشهر
- نقدی، سارا. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی فرایند آموزش مهارت - Zanuttini, J. Z., & Little, C. (2022). Teaching social skill acquisition to adolescent students with autism: A systematic review of peer-mediated interventions published between 2010 and 2020. International Journal of Educational Research Open, 3, 100192.



برقراری روابط اجتماعی و شکوفایی مهارت های اجتماعی یافتن دوست مناسب و سایر مهارت ها را آموزش دهد.
کتاب در هشت فصل تألیف شده است:
فصل اول: راه کارهای برقراری روابط اجتماعی
فصل دوم: پرورش مهارت های اجتماعی دانش آموزان
فصل سوم: چگونگی رفتار دانش آموز
فصل چهارم: پیدا کردن دوست مناسب
فصل پنجم: مهارت مدیریت استرس
فصل ششم: مهارت حل مسأله
فصل هفتم: مهارت همدلی

مهارت های اجتماعی رفتارهایی هستند که موجب عملکرد شایسته دانش آموز در جامعه می گردند. یکی از وظایف اجتماعی کودکان فرا گرفتن مهارت در ایجاد رابطه ای متقابل و موفق با همسالان است. نهادهای اجتماعی و عملکرد آن ها عامل مؤثری در چگونگی اجتماعی شدن دانش آموزان و نحوه ی برعهده گرفتن نقش های حال و آینده آنان است. از جمله این نهادها مدرسه نقش خیلی مهمی در این رابطه دارد.

آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان (دوره ابتدایی)

نویسنده: فرزانه انصاری سامانی

نشر: برگ و باد - ۱۴۰۲

مهارت های اجتماعی رفتارهای آموخته شده و مورد قبول جامعه محسوب می شود که شخص می تواند با دیگران به نحوی ارتباط متقابل برقرار کند که باعث بروز پاسخ های مثبت و هم چنین مانع بروز از پاسخ های منفی گردد. به طور کلی مهارت های اجتماعی به آن دسته از مهارت هایی گفته می شود که ما در

فصل هشتم: مهارت تفکر خلاق
در فصل اول کتاب راهکارهای عملی برقراری روابط اجتماعی را ارائه می نماید. در این فصل یاد می گیرید چطور با همه چالش هایی که دوستی ممکن است برای تان ایجاد کند، دست و پنجه نرم کنید و بر آن ها غلبه کنید و دوستان خوب تان را حفظ کنید.
در فصل دوم کتاب اشاره به پرورش و شکوفایی عملی مهارت های اجتماعی خیلی فراتر از دوستی و دوست یابی دارد. و راجع به مهارت های اجتماعی و انتظاراتی که در مدرسه و بیرون از آن وجود دارد صحبت می کند.
در فصل سوم راهکارهای عملی برای این که با دوستان خود وقتی به گردش می روید و یا گاهی به منزل یکدیگر می روید چطور رفتار کنید ارائه می نماید.
فصل چهارم به مهارت های عملی لازم برای پیدا کردن دوست مناسب و رفاقت پایدار اشاره دارد.
فصل پنجم اشاره به مهارت مدیریت استرس دارد. به هر مسأله ای که در زندگی طوری روی ما اثر بگذارد که فرد مجبور شود سازگاری معمول خود را تغییر دهد استرس می گویند. مواردی مثل به موقع حاضر شدن در محل کار، درس خواندن، کنکور و اشتغال،

تعاملات میان فردی خود به کار می بریم. لذا از طریق ارتباط با دیگران و ارتباط اجتماعی است که می توانیم با دیگران تعامل داشته و رفتارها و مهارت ها و توانایی های لازم برای زندگی را کسب کنیم. کسب مهارت های اجتماعی یکی از عناصر اساسی اجتماعی شدن انسان در تمامی فرهنگ ها به حساب می آید. احساس نیاز به آموزش فراگیری مهارت های اجتماعی ریشه در این واقعیت دارد که دانش آموزان نیاز به خودشناسی برای خدمت به جامعه خود را دارند. آموزش مهارت های اجتماعی در مدارس سبب می شود تا دانش آموزان اصول و قواعد زندگی در اجتماع را فرا گرفته و با هنجارهای صحیح اجتماعی آشنا شوند و ارزش های اجتماعی را درک کرده و برای پایبندی به آن ها تلاش کند.
نویسنده قصد دارد به شما راهکارهای عملی راجع به چگونگی

انتخاب کرد. در این فصل راجع به کاربرد مهارت تفکر خلاقانه، اجزای تفکر خلاق، اهمیت بارش فکری، موانع خلاقیت، راه های افزایش خلاقیت و ... صحبت می شود. پر واضح است که دانش آموزان در زندگی کنونی به طور روزانه با مسائل متفاوت و جدیدی روبرو هستند که باید آن ها را حل نمایند و برای مقابله با چالش های روزمره در زندگی نیازمند آموختن

هر کدام به نحوی می توانند جز موقعیت های استرس زا باشند. این فصل مباحثی چون تاثیر استرس بر زندگی انسان، نشانه های استرس، عوامل مؤثر در میزان آسیب زایی استرس، شکستن چرخه استرس، ارتباط مهارت کنترل خشم و مهارت مقابله با استرس و ... را مطرح می نماید.

در فصل ششم مهارت حل مساله آموزش داده می شود. و اشاره به گام های حل مساله، ویژگی افراد دارای مهارت حل مساله و مشکلات بین فردی دارد. حل مساله مهارتی است که می توان آن را آموخت و به کار بست و مستلزم چند فعالیت است. در ابتدا باید مشکل به دقت تعریف شود و سپس راه حل های مختلفی برای آن مطرح کرد و مورد بررسی قرار داد و در نهایت مناسب ترین و مؤثرترین راه حل را انتخاب و اجرا نمود.

فصل هفتم به مهارت همدلی اشاره دارد. یکی از نکات ضروری برای موفقیت در روابط بین فردی مهارت همدلی است. همدلی به معنای درک و فهم احساسات دیگری است و این

که بتوانیم خود را جای او بگذاریم و از دریچه چشمش به مسائل بنگریم. در همدلی لزومی ندارد با احساسات یا افکار دیگران موافق باشیم، بلکه نکته مهم فقط درک مشکل است.

در فصل هشتم به مهارت تفکر خلاق می رسیم. تفکر خلاق یکی از مهارت های تفکر است که همه ی انسان ها به میزان متفاوت آن را دارا می باشند. این مهارت به افراد کمک می کند تا در شرایط جدید راه حل های مناسبی برای زندگی بیابند. تفکر خلاق توانایی تولید افکار و راه حل های جدید و متنوع است. هدف اصلی در مهارت تفکر خلاق آن است که برای مشکل و موقعیت مورد نظر راه حل های متعدد و فراوانی ایجاد کنند. سپس می توان بهترین راه حل را

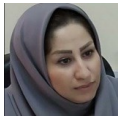


مهارت های لازم هستند. لذا مطالعه این کتاب که راهنمای عملی مهارت های زندگی به کودکان و نوجوانان است را توصیه می کنیم.



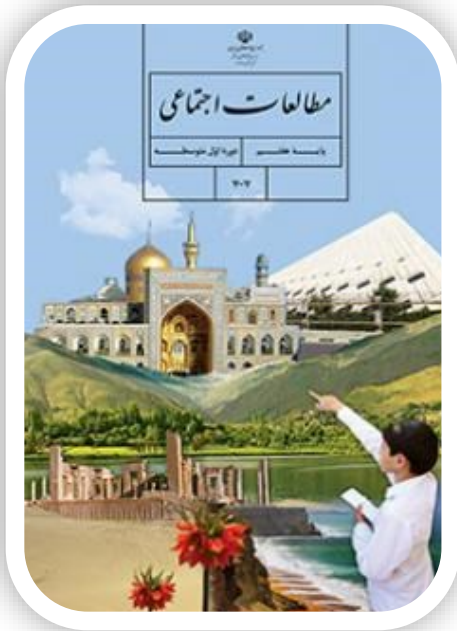


مقاله



فهیمه نورعلینی

مدیر مدرسه ابتدایی.
تهران



ارزیابی فعال بودن محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم از نظر معلمان مناطق پردیس و رودهن

چکیده:

هدف این پژوهش؛ بررسی و ارزیابی فعال بودن محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم از نظر معلمان دوره اول متوسطه مناطق پردیس و رودهن است. روش انجام تحقیق حاضر به صورت تحلیلی (روش تحلیل محتوا) است. هم چنین این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و در زمره تحقیقات پیمایشی می باشد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه معلمان پایه هفتم منطقه پردیس و رودهن به تعداد ۳۷ نفر تشکیل می دهد که بدلیل محدود بودن جامعه آماری به صورت کل شماری یا تمام شماری مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور گردآوری داده ها از چک لیست ویلیام رومی استفاده گردید که روایی آن با استفاده از شاخص روایی محتوایی و روش فورنل لارکر و پایایی آن با استفاده از ضریب همبستگی بین دو تحلیل مستقل مورد تأیید قرار گرفت به طوری که پایایی ابزار تحقیق $0/801$ بدست آمد. در این پژوهش، بر اساس تکنیک ویلیام رومی، واحد تحلیل در بخش تحلیل متن، متن و جمله، در بخش تحلیل تصاویر و اشکال نیز واحد تحلیل، تصویر و در بخش فعالیت محور بودن کتاب، واحد تحلیل، سوالات کتاب است. ویلیام رومی برای ارزشیابی متن، حداقل صفحات انتخاب شده را ۱۳ صفحه تعیین کرده است؛ هم چنین برای ارزشیابی تصاویر حداقل ۱۱ تصویر از کل کتاب و به منظور تعیین شاخص میزان فعالیت های کتاب نیز حداقل ۱۳ صفحه از کل کتاب را پیشنهاد داده است. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع ۲۰۲ جمله مورد تحلیل در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۱۸۵ جمله در مقوله غیرفعال و ۱۷ جمله در مقوله فعال قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال، ضریب درگیری برای متن کتاب $0/092$ بدست آمد. هم چنین نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع ۴۳ تصویر مورد تحلیل در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۲۵ تصویر در مقوله غیرفعال و ۱۸ تصویر در مقوله فعال قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال، ضریب درگیری برای تصاویر کتاب $0/72$ بدست آمد. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع فعالیت مورد تحلیل در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۲۴ فعالیت در مقوله غیرفعال و ۱۶ فعالیت در مقوله فعال قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال، ضریب درگیری $0/67$ بدست آمد.

کلمات کلیدی: تحلیل محتوا، تکنیک ویلیام رومی، کتاب مطالعات اجتماعی





مقدمه:

مقاله

دهد. آن چه علاقه مندی دانش آموزان را به برخی کتاب های درسی برمی انگیزد، به عوامل مختلفی، از جمله معلم، روش تدریس و کتاب درسی بستگی دارد. کتاب درسی از اجزای مختلفی تشکیل شده است: جلد، متن، تصویر، پرسش ها، رنگ و فونت حروف. هر چه این اجزاء، به ویژه متن، پرسش ها و تصاویر فعال تر باشد، میزان انگیزه و علاقه به درس نیز افزایش می یابد و آن درس می تواند در زندگی دانش آموز مؤثرتر باشد. شیوه تدوین فعال محتوا بر نقش یادگیرنده در آموزش و افزایش این نقش تأکید دارد و از وی می خواهد که در پاسخ گویی به سؤال ها، اطلاعات و مفروضات را تجزیه و تحلیل کند و نتایج حاصل کار خود را بیان کند و درباره سؤالاتی که پاسخ آن ها صریحاً داده نشده است، فکر کند و جواب دهد (معروفی، ۱۳۹۳).

از سویی با توجه به اهمیت مطالعات اجتماعی که یک حوزه مهم یادگیری است که از انسان و تعامل او با محیط های گوناگون در زمان های مختلف و جنبه های گوناگون این تعامل بحث می کند لازم است محتوای مواد آموزش متناسب با شرایط سنی و پاسخ گوی نیازهای اجتماعی دانش آموزان باشد (محمدی، ۱۳۹۵). علاوه بر این، محتوای کتاب مطالعات اجتماعی باید دانش آموز را فعالانه در فرآیند یادگیری درگیر کند و آنان را به تفکر و تعقل درباره مطالب ارائه شده وادار کند. کاوش، بررسی علمی و عادت های ذاتی کنجکاوی و آزاداندیشی از ارکان رویکرد کاوش محور است. از نظر سواد علمی، کاوش به منزله فرآیندی است که در آن دانش آموزان مهارت هایی، نظیر مشاهده، استنتاج و آزمون را یاد می گیرند (نوری، ۱۳۹۶).

در میان برنامه های درسی، مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری اصلی و کلیدی است که تقریباً در تمام کشورهای دنیا آموزش داده می شود. در یک دهه اخیر به موازات لزوم پاسخ گویی به نیازهای آموزش این درس و تربیت اجتماعی و لزوم برون رفت از رویکردهای سنتی و هم چنین نو در عرصه تدوین اسناد تحولی، من جمله برنامه درسی ملی، برنامه جدیدی نیز برای این حوزه یادگیری تدوین شده است. در این برنامه، لزوم تحول در رویکردها، اصول، اهداف و سازماندهی محتوا در این درس مورد تأکید قرار گرفته و موارد مذکور با نگاهی نو تنظیم و تدوین شده اند. مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری است که از تعامل انسان با محیط های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، اقتصادی و ... و تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه های گوناگون آن بحث می کند. از آن جایی که

برنامه و محتوای کتاب درسی، یکی از عناصر مهم نظام آموزش و پرورش است و در تحقق اهداف آموزش و پرورش نقش اساسی دارد. از آن جا که نظام آموزش و پرورش ایران متمرکز و برنامه، کتاب و معلم، محورهای اساسی آموزش و یادگیری اند و با توجه به آن که در بسیاری از موارد، کتاب درسی تنها رسانه آموزشی است که در اختیار معلم قرار دارد و فرآیند تدریس و یادگیری تنها با اتکا به محتوای برنامه ی درسی، مفاهیم و ارزش های مطرح شده در آن صورت می پذیرد و از سوی دیگر، انواع ارزشیابی های تحصیلی، امتحانات و گزینش های متعدد بر مبنای محتوای کتاب های درسی صورت می گیرد، نقش کتاب به منزله ی برنامه ی آموزش بسیار مهم تلقی شده، جای تعمق، بررسی و تتبع فراوان دارد (رضایی، ۱۳۹۷).

از طرفی چگونگی تنظیم محتوای کتب درسی عامل مهمی در تعیین چگونگی یادگیری است. گاهی عدم کارایی و نامناسب بودن محتوا و عدم تناسب آن با توانایی درک و فهم دانش آموزان، یادگیری را مشکل می کند یا نتیجه ای کم تر از انتظار به بار می آورد؛ بنابراین، در تهیه کتاب درسی مؤثر و اثربخش، فعالیت های آموزشی و تجارب یادگیری باید به گونه ای تنظیم شوند که یکدیگر را تقویت کنند و فعالیت های یادگیری با توانایی های دانش آموزان منطبق باشند تا بتوانند الگوی رفتاری موردنظر را در یادگیرنده به وجود بیاورند (حسنی، ۱۳۹۶). کتاب های درسی به خاطر اهمیت زیادی که در تعیین محتوا و خط مشی آموزشی دارند، کانون توجه متصدیان آموزش و پرورش می باشند. اهمیت کتاب های درسی در نظام های آموزشی متمرکز مانند ایران که تقریباً تمام عوامل آموزشی بر اساس محتوای آن تعیین و اجرا می شود بیش از سایر انواع نظام های آموزشی است و به خاطر همین اهمیت بیش از اندازه است که صرف وقت نیروهای متخصص در ارزشیابی و تحلیل کتاب های درسی می تواند راهگشای حل بسیاری از مشکلات جاری آموزش باشد (رایت و براندون، ۲۰۱۹).

پایه هفتم برای دانش آموزان، مقطعی سرنوشت ساز است و نقش اساسی در پی ریزی ابعاد شخصیتی و فکری افراد دارد. برخی از دروس برای دانش آموزان جالب و دوست داشتنی است و این علاقه به دروس خاص ممکن است، مسیر تحصیل و شغلی افراد را تغییر



مقاله

کند؟ هم چنین وی محتوای درس را به سه قسمت: متن درس، تصاویر کتاب و سؤالات تقسیم می کند. او این ارزشیابی را شامل: عناوین، شرح زیر تصاویر و پیش گفتار یا مقدمه نمی داند. برای مثال، متن درس دارای ۱۰ مقوله، تصاویر ۴ مقوله و سؤالات نیز دارای

۴ مقوله هستند (رومی، ۱۹۶۸) لذا هدف از پژوهش حاضر، ارزیابی فعال بودن محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم از نظر معلمان دوره اول متوسطه می باشد. از آنجایی که در ارتباط با کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم براساس تکنیک ویلیام رومی پژوهشی در راستای تحلیل محتوا صورت پذیرفته است، لذا این پژوهش برای نخستین بار به تحلیل محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم به روش ویلیام رومی می پردازد. هم چنین از ضرورت های این تحقیق می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- افزایش غنای ادبیات موضوع و کاهش خلاء موجود در زمینه تحقیقات پیشین.

۲- گسترش مفاهیم در حوزه تحلیل محتوای دروس و در رأس آن درس مطالعات اجتماعی.

۳- ارایه راهکارهای عملی برای بهبود محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم براساس شاخص های تکنیک ویلیام رومی.

۴- در میان برنامه های درسی، مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری اصلی و کلیدی است که تقریباً در تمام کشورهای دنیا آموزش داده می شود. در یک دهه اخیر به موازات لزوم پاسخگویی به نیازهای آموزش این درس و تربیت اجتماعی و لزوم برون رفت از رویکردهای سنتی و همچنین نو در عرصه تدوین اسناد تحولی، من جمله برنامه درسی ملی و تحقق چشم انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران در بعد آموزش و پرورش، برنامه جدیدی نیز برای این حوزه یادگیری تدوین شده است. در این برنامه، لزوم تحول در رویکردها، اصول، اهداف و سازماندهی محتوا در این درس مورد تأکید قرار گرفته و موارد مذکور با نگاهی نو تنظیم و تدوین شده اند. مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری است که از تعامل انسان با محیط های اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، اقتصادی و ... و تحولات زندگی بشر در گذشته، حال و آینده و جنبه های گوناگون آن بحث می

این درس بر محور کنش متقابل آدمیان با یکدیگر و با محیطی که در آن به سر می برند در روند زمانی استوار است، می توان ادعا نمود که جامعه، مکان و زمان سه محور عمده این درس هستند. مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری بین رشته ای است که از مفاهیم رشته های علمی چون جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه شناسی و هم چنین مطالعات مختلف مانند آموزش های مدنی، مطالعات شهروندی و زیست محیطی، دین و اخلاق بهره می گیرد.

محتوای فعال کتاب مطالعات اجتماعی نقش اساسی در پرورش افرادی مسئول، توانمند و آگاه در زندگی فردی و اجتماعی و ارزش های دینی و علاقمند به ایران و هویت فرهنگی- تمدنی دارد. محتوای فعال کتاب مطالعات اجتماعی می تواند در برانگیختن سؤال هایی اساسی نسبت به فرهنگ و هویت، مسئولیت پذیری، فضا و مکان تأثیرگذار باشد. این دسته سؤال های بنیادی که حتی برای برخی جزو بدیهی ترین سؤال هاست، می تواند در بلندمدت فراگیران را در مسیری قرار دهد تا آن ها با جستجوی اطلاعات به واقعیت های زندگی پی ببرند.

در جمع بندی کلی می توان گفت کتاب درسی، که یکی از مهم ترین مراجع و منابع یادگیری دانش آموزان در نظام های آموزشی محسوب می شود، در نظام آموزشی کشور ما نیز نقش مهمی دارد. به لحاظ این اهمیت و هم چنین به سبب نقش محتوای کتاب مطالعات اجتماعی در جهت آموزش مهارت اجتماعی، در این پژوهش، میزان فعال بودن محتوای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم، از نظر دبیران دوره اول متوسطه منطقه رودهن و پردیس با استفاده از تکنیک ویلیام رومی و مؤلفه های آن مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. ویلیام رومی یکی از صاحب نظران تعلیم و تربیت است که کتاب خود را به نام تکنیک های پژوهشی در آموزش علوم کلیات طرح سامان دهی محتوای برنامه های درسی و فناوری آموزشی، در سال ۱۹۸۶ ارائه کرد. تجزیه و تحلیل کتب درسی که اولین بار توسط وی طراحی و ارائه شده است جهت تمایز گذاشتن بین مطالب و محتوای اکتشافی و فعال با مطالب و محتوای غیر فعال مورد استفاده قرار می گیرد. به عبارت دیگر مشخص می نماید که متن، سؤالات و تصاویر تدوین شده در یک کتاب تا چه حد قادر است دانش آموزان را به فعالیت وا دارد و او را درگیر در فعالیت های کتاب نماید. درواقع ویلیام رومی، روش تحلیل کمی را در تحلیل محتوا به کار برد. هدف روش ویلیام رومی، پاسخ به این سؤال است که آیا کتاب و محتوای مورد نظر دانش آموزان را به طور فعال آموزش و یادگیری درگیر می



مقاله

کند. از آن جایی که این درس بر محور کش متقابل آدمیان با یکدیگر و با محیطی که در آن به سر می برند در روند زمانی استوار است، می توان ادعا نمود که جامعه، مکان و زمان سه محور عمده این درس هستند. مطالعات اجتماعی یک حوزه یادگیری

بین رشته ای است که از مفاهیم رشته های علمی چون جغرافیا، تاریخ، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه شناسی و همچنین مطالعات مختلف مانند آموزش های مدنی، مطالعات شهروندی و زیست محیطی، دین و اخلاق بهره می گیرد.

۵- با توجه به نقش اساسی تحلیل محتوا در بهبود کتاب های درسی و هم چنین نبود پژوهشی که به تحلیل محتوا کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم پرداخته باشد بر آن شدیم تا تحلیلی در این باره انجام دهیم. از آنجایی که در ارتباط با کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم بر اساس تکنیک ویلیام رومی پژوهشی صورت پذیرفته است لذا در این پژوهش به بیان تحقیقاتی که تاکنون بر اساس این الگو درباره کتب درسی دیگر صورت پذیرفته است بسنده می کنیم.

۶- کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم که با رویکردی جدید تدوین شده است دربرگیرنده پنج حوزه موضوعی (که شامل فضا و مکان، زمان، تداوم و تغییر، فرهنگ و هویت، نظام اجتماعی و منابع و فعالیتهای اقتصادی) می باشد که هریک از این حوزه ها ناظر به تعدادی از رشته ها است. این کتاب شامل ۱۲ فصل و ۲۰ درس و در مجموع شامل ۱۹۲ صفحه است که در هر فصل، دو یا چند حوزه موضوعی و مفاهیم کلیدی مربوط به آنها با یکدیگر تلفیق شده اند.

روش تحقیق:

پایه هر علمی روش شناخت آن است و اعتبار و ارزش قوانین هر علمی به روش شناختی مبتنی است که در آن علم به کار می رود. ممکن است از «روش تحقیق» معانی متمایزی استنباط شود، در اینجا منظور از روش تحقیق یک فرآیند نظام مند برای یافتن پاسخ یک پرسش یا راه حل یک مساله است. روش های تحقیق بر اساس معیارهای گوناگون قابل طبقه بندی هستند. بر اساس نوع هدف، تحقیقات به پنج دسته تحقیق بنیادی، کاربردی، تحقیق و توسعه، ارزیابانه و اقدام پژوهی تقسیم می شوند. بر اساس ماهیت و چگونگی به سه دسته تحقیق توصیفی، همبستگی و علی تقسیم می شوند. براساس ماهیت و ویژگی های داده هایی که مورد بررسی قرار می

گیرند، به سه دسته کلی، کمی، کیفی و ترکیبی تقسیم می شوند. هم چنین از نظر مکان و زمان اجرای تحقیق به سه دسته تحقیق کتابخانه ای، آزمایشگاهی و میدانی تقسیم می شوند و در نهایت تحقیقات را می توان از نظر روش (فرایند) به دو دسته کلی، روش تحقیقات کیفی (تاریخی) و... و روش تحقیقات کمی (پیمایشی ۲۰ و...) تفکیک نمود. با این تفاسیر روش انجام تحقیق حاضر به صورت تحلیلی (روش تحلیل محتوا) می باشد. همچنین این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی و در زمره تحقیقات پیمایشی می باشد. در این پژوهش، براساس تکنیک ویلیام رومی، واحد تحلیل در بخش تحلیل متن، متن و جمله، در بخش تحلیل تصاویر و اشکال نیز واحد تحلیل، تصویر و در بخش فعالیت محور بودن کتاب، واحد تحلیل، سؤالات کتاب است.

ویلیام رومی برای ارزشیابی متن، حداقل صفحات انتخاب شده را ۱۳ صفحه تعیین کرده است؛ هم چنین برای ارزشیابی تصاویر حداقل ۱۱ تصویر از کل کتاب و به منظور تعیین شاخص میزان فعالیت های کتاب نیز حداقل ۱۳ صفحه از کل کتاب را پیشنهاد داده است.

جامعه آماری این تحقیق را کلیه معلمان پایه هفتم منطقه پردیس و رودهن به تعداد ۳۷ نفر (۱۸ نفر زن و ۱۹ نفر مرد) تشکیل می دهد. با این تفسیر تعداد ۳۷ نفر از معلمان (۱۸ نفر زن و ۱۹ نفر مرد) مورد مطالعه قرار می گیرند. روش نمونه گیری بدلیل محدود بودن جامعه آماری به صورت کل شماری یا تمام شماری می باشد.

یافته ها:

سؤال اول پژوهش: آیا متن کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم به روش فعال ارائه شده است؟

جدول (۱): فراوانی توزیع جملات کتاب براساس فرمول ویلیام رومی

مقوله	A	B	C	D	E	F	G	H	I	J	جمع
فراوانی	۱۹۰	۷۲	۶۳	۴۰	۲۵	۲۱	۲۳	۱۴	۲۲۵	۱۹۲	۸۶۵
جمع	۳۶۵			۸۳			۴۱۷			۸۶۵	
درصد	۱۷/۱۸۵۰۰/۰۹۲										

تفسیر:

متن ۲۴ درس از کتاب مطالعات اجتماعی براساس موارد مربوط به مقوله های فعال و غیرفعال تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع ۲۰۲ جمله مورد تحلیل در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۱۸۵ جمله در مقوله غیرفعال A, B, C, D و ۱۷ جمله در مقوله فعال G, F, E, H قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله فعال بر جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال،



مقاله

این امر تا جایی اهمیت دارد که می تواند خلاقیت را شکوفا سازد و او را به مطالعه ترغیب کند. همچنین مختصات کتاب های درسی به لحاظ متن باید به گونه ای ارائه شود که تصاویر نیز بتواند با آن همسو باشد،

به عبارت دیگر متن و تصویر می بایست وفادار

به هم باشند؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که توجه به این مهم یعنی همان تصویرگری کتاب های درسی از سوی دفتر تألیف کتب درسی و دعوت از تصویرگران برجسته جهت و رود به این وادی و اظهار نظر کارشناسی، می تواند در راستای بالا بردن ضریب درگیری دانش آموز با تصاویر، نقش مؤثر داشته باشد.

سؤال سوم پژوهش: آیا سؤالات کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم به روش فعال ارائه شده است؟

جدول (۳): فراوانی توزیع سؤالات کتاب بر اساس فرمول ویلیام رومی

مقوله	A	B	C	D	جمع
فراوانی	۱۷۹	۲۶۱	۱۶۳	۲۴۱	۸۴۴
جمع	۴۴۰	۴۰۴			۸۴۴
درصد	$404/440 = 0/918$				

تفسیر:

فعالیت ۲۴ صفحه از کتاب مطالعات اجتماعی بر اساس موارد مربوط به مقوله های فعال و غیر فعال تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع فراوانی ۸۴۴ فعالیت مورد تحلیل توسط دبیران در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۴۴۰ فعالیت در مقوله غیر فعال (A, B) و ۴۰۴ فعالیت در مقوله فعال (C, D) قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله فعال بر جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیر فعال، ضریب درگیری ۰/۹۱۸ بدست آمد. فعالیت محور بودن سؤالات کتاب دلیل بر این است که تعداد فعالیت های پیش بینی شده در نمونه مورد بررسی نسبت به سایر مؤلفه ها مناسب بوده است. ولی جهت افزایش ضریب درگیری، لازم است فعالیت های بیشتری در کتاب گنجانده و در عین حال از حجم مطالب ارائه شده هم کاسته شود.

بحث و نتیجه گیری:

متن ۲۴ درس از کتاب مطالعات اجتماعی بر اساس موارد مربوط به مقوله های فعال و غیر فعال تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد

ضریب درگیری برای متن کتاب ۰/۹۲ بدست آمد. یعنی عددی کوچکتر از ۰/۴ بیان گر این است که این کتاب در زمره ی محتوای غیر پژوهشی قرار می گیرد که دانش آموز در آن هیچ گونه نقش فعالی در امر یادگیری به عهده ندارد و به او و به ذهن او به عنوان یک سیستم بانکی نگریسته می شود که همیشه در پی حفظ، نگهداری و بایگانی مطالب است. این نتیجه بدین معنی است که در فرآیند یادگیری، دانش آموز مشغول فعالیت های علمی به معنای واقعی نمی باشد.

با تأمل بر نتیجه ی حاصله، می توان دریافت که یکی از دلایل ضریب درگیری بسیار پایین متن این کتاب، این است که حقایق، مطالب و مفاهیم زیادی در متن ارائه شده است که در بیان آنها، از روش های انتقال مستقیم استفاده گردیده که تعداد مقوله های غیر فعال متن یاد شده را افزایش داده است.

سؤال دوم پژوهش: آیا تصاویر کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم به روش فعال ارائه شده است؟

جدول (۲): فراوانی توزیع تصاویر کتاب بر اساس فرمول ویلیام رومی

مقوله	A	B	C	D	جمع
فراوانی	۱۴۷	۱۲۵	۲۶۳	۲۵۸	۷۹۳
جمع	۱۴۷	۱۲۵	۵۲۱		۷۹۳
درصد	$125/147 = 0/850$				

تفسیر:

تصاویر ۲۴ صفحه از کتاب مطالعات اجتماعی بر اساس موارد مربوط به مقوله های فعال و غیر فعال تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع فراوانی ۷۹۱ تصویر مورد تحلیل توسط دبیران در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، تعداد ۱۴۷ مورد در مقوله غیر فعال (A) و تعداد ۱۲۵ مورد در مقوله فعال (B) قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله فعال بر جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیر فعال، ضریب درگیری برای تصاویر کتاب ۰/۸۵ بدست آمد.

به جرأت می توان گفت تمام دانش آموزان در اولین مواجهه با کتاب، ابتدا آن را ورق زده و تصاویر آنرا رصد می کنند؛ یعنی یک تصویر خوب اولین گام در فرآیند یادگیری را خواهد برداشت و پس از آن دانش آموز برای انتقال صحیح پیام باید تصویر خوب و متن اسب را مکمل متن دانست.



مقاله

از مجموع ۲۰۲ جمله مورد تحلیل در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۱۸۵ جمله در مقوله غیرفعال و ۱۷ جمله در مقوله فعال قرار گرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله فعال بر جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال، ضریب درگیری برای متن کتاب ۰.۰۹۲ بدست آمد. یعنی عددی کوچکتر از ۰/۴ بیانگر این است که این کتاب در زمره ی محتوا های غیر پژوهشی قرار می گیرد که دانش آموز در آن هیچگونه نقش فعالی در امر یادگیری به عهده ندارد و به او و به ذهن او به عنوان یک سیستم بانکی نگریسته می شود که همیشه در پی حفظ، نگهداری و بایگانی مطالب است. این نتیجه بدین معنی است که در فرآیند یادگیری، دانش آموز مشغول فعالیتهای علمی به معنای واقعی نمی باشد. با تأمل بر نتیجه ی حاصله، میتوان دریافت که یکی از دلایل ضریب درگیری بسیار پایین متن این کتاب، این است که حقایق، مطالب و مفاهیم زیادی در متن ارائه شده است که در بیان آنها، از روشهای انتقال مستقیم استفاده گردیده که تعداد مقوله های غیرفعال متن یادشده را افزایش داده است. با مروری بر پیشینه تحقیقات صورت گرفته در خصوص یافته های این تحقیق، این نکته نمایان می شود که نتایج تحقیق حاضر مشابه و هم راستا با نتایج تحقیق رضایی (۱۳۹۷)، حسنی (۱۳۹۶)، نوری (۱۳۹۶)، دربهشتی (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۵)، جواهری (۱۳۹۴)، لشگری (۱۳۹۴)، ضیایی (۱۳۹۳)، معروفی (۱۳۹۳)، حوری صفت (۱۳۹۳) و زمانی (۱۳۸۷) در داخل کشور و مشابه و همسو با نتایج تحقیق وو (۲۰۱۹)، زین و همکاران (۲۰۱۸)، کوگیل (۲۰۱۵) و ونندی اسکات و سها یانگ (۲۰۱۵) در خارج از کشور می باشد.

تصاویر ۲۴ صفحه از کتاب مطالعات اجتماعی براساس موارد مربوط به مقوله های فعال و غیر فعال تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع فراوانی ۷۹۱ مورد تحلیل توسط دبیران در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، تعداد ۱۴۷ مورد در مقوله غیر فعال (A) و تعداد ۱۲۵ مورد در مقوله فعال (B) قرارگرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله فعال بر جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال، ضریب درگیری برای تصاویر کتاب ۸۵/۰ بدست آمد. به جرأت می توان گفت تمام دانش آموزان در اولین مواجهه با کتاب، ابتدا آن را ورق زده و تصاویر آن را رصد می کنند؛ یعنی یک تصویر خوب اولین گام در فرآیند یادگیری را خواهد برداشت و پس از آن دانش آموز برای انتقال صحیح پیام باید تصویر

خوب و متناسب را مکمل متن دانست. این امر تا جایی اهمیت دارد که می تواند خلاقیت را شکوفا سازد و او را به مطالعه ترغیب کند. همچنین مختصات کتابهای درسی به لحاظ متن باید به گونه ای ارائه شود که تصاویر نیز بتواند با آن همسو باشد، به عبارت دیگر متن و تصویر می بایست وفادار به هم باشند؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که توجه به این مهم یعنی همان تصویرگری کتابهای درسی از سوی دفتر تألیف کتب درسی و دعوت از تصویرگران برجسته جهت ورود به این وادی و اظهارنظر کارشناسی، می تواند در راستای بالا بردن ضریب درگیری دانش آموز با تصاویر، نقش مؤثر داشته باشد. با مروری بر پیشینه تحقیقات صورت گرفته در خصوص یافته های این تحقیق، این نکته نمایان می شود که نتایج تحقیق حاضر مشابه و هم راستا با نتایج تحقیق رضایی (۱۳۹۷)، حسنی (۱۳۹۶)، نوری (۱۳۹۶)، دربهشتی (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۵)، جواهری (۱۳۹۴)، لشگری (۱۳۹۴)، ضیایی (۱۳۹۳)، معروفی (۱۳۹۳)، حوری صفت (۱۳۹۳) و زمانی (۱۳۸۷) در داخل کشور و مشابه و همسو با نتایج تحقیق وو (۲۰۱۹)، زین و همکاران (۲۰۱۸)، کوگیل (۲۰۱۵) و ونندی اسکات و سها یانگ (۲۰۱۵) در خارج از کشور می باشد.

فعالیت ۲۴ صفحه از کتاب مطالعات اجتماعی براساس موارد مربوط به مقوله های فعال و غیرفعال تحلیل شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از مجموع فراوانی ۸۴۴ فعالیت مورد تحلیل توسط دبیران در کتاب مطالعات اجتماعی پایه هفتم، ۴۴۰ فعالیت در مقوله غیرفعال (A,B) و ۴۰۴ فعالیت در مقوله فعال (C,D) قرارگرفت که از تقسیم جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله فعال بر جمع شاخص های تشکیل دهنده مقوله غیرفعال، ضریب درگیری ۹۸/۰ بدست آمد. فعالیت محور بودن سؤالات کتاب دلیل بر این است که تعداد فعالیتهای پیش بینی شده در نمونه مورد بررسی نسبت به سایر مؤلفه ها مناسب بوده است. ولی جهت افزایش ضریب درگیری، لازم است فعالیت های بیشتری در کتاب گنجانده و درعین حال از حجم مطالب ارائه شده هم کاسته شود. با مروری بر پیشینه تحقیقات صورت گرفته در خصوص یافته های این تحقیق، این نکته نمایان می شود که نتایج تحقیق حاضر مشابه و هم راستا با نتایج تحقیق رضایی (۱۳۹۷)، حسنی (۱۳۹۶)، نوری (۱۳۹۶)، دربهشتی (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۵)، جواهری (۱۳۹۴)، لشگری (۱۳۹۴)، ضیایی (۱۳۹۳)، معروفی (۱۳۹۳)، حوری صفت (۱۳۹۳) و زمانی (۱۳۸۷) در داخل کشور و مشابه و همسو با نتایج تحقیق وو (۲۰۱۹)، زین و همکاران (۲۰۱۸)، کوگیل (۲۰۱۵) و ونندی اسکات و سها یانگ (۲۰۱۵) در خارج از کشور می باشد.

- اکبرزاده میرزانی، حشمت (۱۳۹۰) ارزیابی محتوا کتاب مطالعات اجتماعی سال اول متوسطه براساس پرورش مهارت های زندگی از دیدگاه دبیران درس مطالعات اجتماعی شهر اردبیل، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، کارشناسی ارشد
- توکلی گوکی، سعید، (۱۳۹۷) تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی پایه ی اول ابتدایی از منظر فعال و غیرفعال بودن براساس روش و تکنیک ویلیام
- جواهری، سمیه، (۱۳۹۴)، تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی طبق الگوی ویلیام رومی در میزان درگیری ذهنی دانش آموزان پایه ی سوم ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، کارشناسی ارشد.
- چاوا فراتکفورد، دیوید نجمیاس، (۱۳۹۱)، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لارجانی و رضا فاضلی، ص ۴۶۹.
- حسنی، محمد، (۱۳۹۶)، تحلیل محتوای کیفی کتاب های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی از منظر تربیت اخلاقی، فصلنامه تربیت اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۲۵.
- حوری صفت، جواد. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی پایه ی هفتم از منظر میزان توجه به مولفه های عزت نفس و جرأت مندی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، کارشناسی ارشد.
- زمانی، بی بی عشرت (۱۳۸۷) میزان فعال و غیرفعال بودن محتوای کتاب هدیه های آسمانی و کتاب کار چهارم ابتدایی تألیف جدید تعلیمات اسلامی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، کارشناسی ارشد.
- رومی در سال تحصیلی ۱۳۹۴، خواجه نصیر الدین طوسی

کرمان (پردیس فرهنگیان)،

کارشناسی ارشد.

- ساروخانی، باقر، (۱۳۹۰)، روشهای

تحقیق در علوم اجتماعی،

انتشارات ترمه.

- ضیایی، منیره، (۱۳۹۳)، تحلیل

محتوای کتاب های درسی تعلیمات

اجتماعی دوره راهنمایی و مطالعات

اجتماعی متوسطه نظام جدید بر اساس میزان توجه به

مهارت اجتماعی، فصلنامه مدیریت تحول، دوره ۲۴، شماره

۲.

- لشگری، رسول. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب مطالعات

اجتماعی طبق الگوی ویلیام رومی در میزان

درگیری ذهنی دانش آموزان پایه سوم

ابتدایی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده

علوم تربیتی، کارشناسی ارشد. مطالعات

اجتماعی پایه هفتم (۱۳۹۷)، دفتر نشر و

تألیف کتب درسی، انتشارات افسر.

- محمدی، نازیلا، (۱۳۹۵)، تحلیل

محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه

هفتم بر اساس میزان توجه به انگیزه پیشرفت

و مهارتهای اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، کارشناسی

ارشد.

- معروفی، حمید، (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای کتاب مطالعات

اجتماعی پایه ششم ابتدایی بر اساس شاخص های انتخاب و

سازماندهی محتوا و دیدگاه معلمان شهر سمنان، دومین

همایش بینالمللی مدیریت در قرن ۲۱، تهران.

- Wright, A. & Brandon, A. (2019). Learning to teach religion education. New York: Routledge & Falmer.





برنامه درسی و آموزش مهارت‌های اجتماعی؛ رویکردی به بهبود تعاملات بین فردی



مقاله کوتاه

بیبا میرزائی اسکویی

دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی - معاون آموزشی مدرسه

چکیده:

تحلیل نقش برنامه درسی در تقویت مهارت‌های

اجتماعی استفاده شده است. یافته‌ها نشان

می‌دهد که رویکردهای مبتنی بر

یادگیری مشارکتی، تجربه‌محور و

برنامه‌های درسی تلفیقی تأثیر قابل

توجهی بر ارتقای مهارت‌های اجتماعی

دارند. در پایان، پیشنهاداتی برای بهبود

برنامه‌های درسی با تأکید بر آموزش مهارت‌های

اجتماعی ارائه شده است.

آموزش مهارت‌های اجتماعی یکی از

ابعاد مهم در نظام‌های آموزشی است که

نقش کلیدی در توسعه تعاملات بین

فردی، حل تعارضات و توانایی

کارگروهی دارد. این پژوهش با هدف

بررسی نقش برنامه درسی در آموزش

مهارت‌های اجتماعی انجام شده است. روش تحقیق

توصیفی-تحلیلی بوده و از منابع معتبر علمی برای

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، مهارت‌های اجتماعی، آموزش مشارکتی، یادگیری تجربه‌محور، تعاملات بین فردی



مقدمه:

آن ارائه می‌دهد.

بیان مسئله:

یکی از چالش‌های عمده در نظام آموزشی، عدم توجه کافی به آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌طور منظم در برنامه درسی است، در حالی که این مهارت‌ها برای رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارند. آموزش‌های موجود به‌طور غالب بر محتوای درسی متمرکز است و فرصت‌های کم‌تری برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است. بنابراین، نیاز است که یک برنامه درسی جامع و اثربخش طراحی شود که مهارت‌های اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت کند.

در دنیای امروز، توانایی برقراری ارتباط مؤثر و تعامل اجتماعی یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان و دانشجویان باید بیاموزند. مهارت‌های اجتماعی به فرد کمک می‌کنند تا روابط سالمی با دیگران برقرار کنند، در موقعیت‌های مختلف اجتماعی موفق عمل کنند و از تنش‌های میان فردی اجتناب نمایند. یکی از بسترهای مهم برای آموزش این مهارت‌ها، برنامه درسی رسمی و غیررسمی است که می‌تواند با رویکردهای گوناگون، آموزش این مهارت‌ها را تقویت کند. پژوهش حاضر به بررسی چگونگی تأثیر برنامه درسی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی پرداخته و راهکارهایی برای بهبود



مطالعات متعددی نقش آموزش مهارت‌های اجتماعی را در توسعه فردی و اجتماعی بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال، ویگوتسکی (۱۹۷۸) در نظریه رشد شناختی خود بر اهمیت تعاملات اجتماعی در یادگیری تأکید کرده است. هم چنین، پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که روش‌های تدریس تعاملی و مشارکتی تأثیر بسزایی در تقویت مهارت‌های اجتماعی دارند (جانسون و جانسون، ۲۰۱۴). علاوه بر این، شواهد تجربی نشان داده است که استفاده از برنامه‌های درسی که شامل فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های مشترک و یادگیری مبتنی بر مسئله باشد، می‌تواند رشد مهارت‌های اجتماعی را تسهیل کند (اسمیت، ۲۰۱۸).

روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و مبتنی بر تحلیل محتوای برنامه‌های درسی و مطالعات پیشین است. داده‌ها از منابع علمی معتبر شامل مقالات پژوهشی، کتب دانشگاهی و گزارش‌های بین‌المللی استخراج و تحلیل شده است.

یافته‌ها:

بررسی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از یادگیری مشارکتی موجب افزایش تعاملات بین فردی، بهبود مهارت‌های حل مسئله و تقویت توانایی کار گروهی می‌شود. برنامه‌های درسی که شامل فعالیت‌های تجربه‌محور مانند بازی‌های نقش‌آفرینی، پروژه‌های گروهی و یادگیری مبتنی بر سناریو هستند، تأثیر مثبتی بر ادغام مهارت‌های اجتماعی در تمامی دروس (نه تنها دروس خاص مانند تربیت شهروندی) باعث تقویت مستمر این مهارت‌ها می‌شود.

یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های مؤثر در آموزش مهارت‌های اجتماعی است به دانش‌آموزان فرصت می‌دهد تا در گروه‌های کوچک با یکدیگر همکاری کنند، نظرات خود را به اشتراک بگذارند و به حل مسائل بپردازند. تحقیقات نشان داده است که این نوع یادگیری موجب تقویت مهارت‌های ارتباطی، توانایی کار گروهی و اعتماد به نفس می‌شود.

یادگیری تجربه‌محور

یادگیری تجربه‌محور به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی را در محیط‌های واقعی تر و غیررسمی تر توسعه دهند. فعالیت‌های تجربه‌محور مانند بازی‌های نقش‌آفرینی، پروژه‌های گروهی و یادگیری مبتنی بر سناریوهای اجتماعی، می‌تواند تعاملات اجتماعی و توانایی‌های حل مسئله را در دانش‌آموزان بهبود بخشد.

استفاده از فناوری‌های نوین

در دنیای امروز، فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های آنلاین و اپلیکیشن‌های آموزشی می‌توانند به‌طور مؤثری در تقویت مهارت‌های اجتماعی نقش داشته باشند. ابزارهایی مانند گوگل کلاسروم و ادمودو امکان تعاملات اجتماعی را فراهم می‌آورند.

تأثیر فرهنگ‌های مختلف

تأثیرات فرهنگی بر روش‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی نیز نباید نادیده گرفته شود. در فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند کشورهای آسیای شرقی، بیش تر بر فعالیت‌های گروهی و هماهنگی اجتماعی تأکید می‌شود. در حالی که در فرهنگ‌های فردگرای غربی، استقلال فردی و ابراز نظر شخصی بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. بنابراین برنامه‌های درسی باید انعطاف‌پذیر و متناسب با نیازهای فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان طراحی شوند.

راه‌حل پیشنهادی:

ارزیابی نیازها: ابتدا باید نیازهای دانش‌آموزان را بررسی کنیم تا ببینیم در کدام حوزه‌ها ضعف دارند. این می‌تواند شامل طراحی برنامه‌های درسی، مهارت‌های ارتباطی، همدلی، مدیریت تعارض، و کار تیمی و آموزش‌های عملی باشد.

طراحی برنامه درسی: برنامه درسی می‌تواند شامل جلسات هفتگی یا ماهانه باشد که در آن مهارت‌های اجتماعی به‌طور فعال آموزش داده شود. موضوعاتی که می‌توانند در این برنامه گنجانده شوند عبارتند از:

مهارت‌های ارتباطی: آموزش نحوه برقراری ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال و ابراز عقاید.

مدیریت تعارض: آموزش تکنیک‌های حل مسئله و کاهش تنش‌ها در موقعیت‌های گروهی.

کار تیمی: تمرین‌های گروهی که به دانش‌آموزان





مقاله کوتاه

کمک می‌کند تا مهارت‌های همکاری و احترام به نظرات دیگران را توسعه دهند.

آموزش‌های عملی: در کنار جلسات تئوری، باید تمرین‌های عملی و گروهی برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. این تمرین‌ها شامل بازی‌های نقش‌پذیری، شبیه‌سازی موقعیت‌های اجتماعی و کارهای گروهی می‌باشند.

بازخورد: پس از هر جلسه، بازخوردهایی از دانش‌آموزان جمع‌آوری شود تا بتوانیم نقاط ضعف و قوت برنامه را شناسایی کرده و آن را برای جلسات بعدی بهبود دهیم.

پیشنهادهای دیگر: گنجاندن فعالیت‌های گروهی و مشارکتی در برنامه درسی برای افزایش تعاملات اجتماعی. استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تجربه مانند بازی‌های آموزشی و فعالیت‌های شبیه‌سازی. طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی که مهارت‌های اجتماعی را در تمام دروس جای دهند. آموزش معلمان برای به‌کارگیری روش‌های تدریس تعاملی و حمایت از یادگیری اجتماعی دانش‌آموزان.



پیشنهادهای برای بهبود برنامه‌های درسی: با توجه به یافته‌های پژوهش، چندین پیشنهاد برای بهبود برنامه‌های درسی در جهت تقویت مهارت‌های اجتماعی ارائه می‌شود: گنجاندن فعالیت‌های گروهی و مشارکتی بعنوان یکی از بهترین روش‌ها برای تقویت مهارت‌های اجتماعی، در برنامه درسی است. فعالیت‌هایی مانند پروژه‌های مشترک، بحث‌های گروهی و کارگاه‌های آموزشی می‌توانند به تقویت تعاملات اجتماعی بین دانش‌آموزان کمک کنند.

استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تجربه: استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تجربه مانند بازی‌های آموزشی و فعالیت‌های شبیه‌سازی می‌تواند تأثیر زیادی بر یادگیری مهارت‌های اجتماعی داشته باشد. این روش‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌هایی مانند همکاری، حل مسئله و مذاکره را در موقعیت‌های واقعی تر بیاموزند.

طراحی برنامه‌های درسی تلفیقی: برنامه‌های درسی تلفیقی که مهارت‌های اجتماعی را در تمامی دروس جای دهند، می‌توانند موجب تقویت مستمر این مهارت‌ها شوند. به‌عنوان مثال، در دروس ریاضی، علوم و زبان، می‌توان

فعالیت‌های گروهی و پروژه‌های مشترک را گنجاند که دانش‌آموزان به‌طور طبیعی در آن‌ها تعامل داشته باشند.

آموزش معلمان: آموزش معلمان برای استفاده از روش‌های تدریس تعاملی و پشتیبانی از یادگیری اجتماعی در کلاس درس بسیار مهم است. معلمان باید با روش‌های نوین تدریس آشنا شوند و از ابزارهای دیجیتال به‌طور مؤثر استفاده کنند.

گنجاندن برنامه‌های آموزشی برای والدین: برنامه‌های آموزشی برای والدین نیز می‌توانند به تقویت مهارت‌های اجتماعی در خارج از محیط مدرسه کمک کنند. والدین می‌توانند با انجام فعالیت‌های گروهی در خانه و درک بهتر نیازهای اجتماعی فرزندان خود، در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند.

نتیجه‌گیری:

برنامه درسی نقش کلیدی در آموزش مهارت‌های اجتماعی دارد و می‌تواند از طریق روش‌های تدریس مشارکتی، فعالیت‌های گروهی و یادگیری تجربه‌محور تأثیر مثبتی بر تعاملات بین فردی دانش‌آموزان داشته باشد. برای ارتقای کیفیت آموزش مهارت‌های اجتماعی، لازم است که برنامه‌های درسی با نگاهی جامع و یکپارچه طراحی شوند. هم‌چنین، گنجاندن فناوری‌های نوین و توجه به تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند به بهبود و تقویت مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان کمک کند.

منابع:

- اسمیت، پیترو. (۲۰۱۸). آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس. نیویورک: انتشارات آکادمیک.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۵). مهارت‌های زندگی و آموزش آن. تهران: نشر روان.
- جانسون، دی. و جانسون، راجر. (۲۰۱۴). یادگیری مشارکتی: نظریه و کاربردها. انتشارات دانشگاه کمبریج.
- کرمی، محمدرضا. (۱۳۹۴). اصول و روش‌های تدریس در تربیت اجتماعی. تهران: نشر معین.
- علیزاده، حسن. (۱۳۹۰). آموزش مهارت‌های اجتماعی. تهران: نشر رشد.
- ویگوتسکی، ل. (۱۹۷۸). ذهن در جامعه: توسعه فرایندهای روانشناختی عالی. هاروارد یونیورسیتی پرس



با آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان

فائزه کریمی‌نسب
دانشجوی
کارشناسی ارشد
برنامه‌ریزی درسی
آموزگار پایه‌ی
پنجم



(۹۴۵)

در سال‌های اخیر آموزش مهارت‌های زندگی، جزو اهداف اصلی تدوین برنامه‌ی درسی مدارس قرار گرفته است. کتاب‌هایی مثل مطالعات اجتماعی و تفکر و پژوهش در دوره‌ی دوم ابتدایی و کتاب تفکر و سبک‌زندگی در دوره‌ی اول متوسطه، از جمله تغییراتی هستند که در تالیف کتاب‌های درسی دیده می‌شود. یکی از راه‌های مؤثر آموزش مهارت‌های زندگی، به‌صورت غیرمستقیم و از طریق مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی است. معلمان و اولیای دانش‌آموزان می‌توانند با توجه به رده‌ی سنی کودکان، آن‌ها را به مطالعه‌ی کتاب‌های مناسب‌شان هدایت کنند.

آموزش مهارت‌های زندگی به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها و مهارت‌هایی اطلاق می‌شود که به فرد کمک می‌کند تا با چالش‌های زندگی روزمره بهتر مواجه شود و بتواند زندگی پربارتری را تجربه کند. این مهارت‌ها شامل مواردی نظیر تصمیم‌گیری مؤثر، مدیریت استرس، حل مسائل به روش‌های نوآورانه و برقراری ارتباطات سالم و سازنده هستند. در دهه‌های اخیر ضرورت آموزش این مهارت‌ها در نظام‌های آموزشی سراسر جهان به طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. به ویژه با پیچیده‌تر شدن جوامع و افزایش فشارهای روانی و اجتماعی، توانمندی‌های فردی و اجتماعی به عنوان بخش ضروری از آموزش و پرورش شناخته شده‌اند. (شکوری و پاشایی بخشایش، ۱۴۰۳)

گروه سنی الف و ب: کودکان پیش‌دبستانی و سال اول و دوم دبستان

مجموعه‌ی چهارجلدی "خرسی و جیکو" نوشته‌ی جانی لمبرت و با ترجمه‌ی آناهیتا حضرتی، توسط انتشارات پرتقال منتشر شده است.

این مجموعه درباره‌ی دوستی یک خرس و یک گنجشک است که علی‌رغم تفاوت‌هایشان، دوست‌های بسیار خوبی برای یکدیگر هستند. در هر جلد از این مجموعه، این دو دوست با چالش‌ها و مشکلاتی در زندگی روزمره دست‌به‌گریبان می‌شوند و با کمک هم به‌خوبی از عهده‌ی حل آن بر می‌آیند. این مجموعه با متن ساده و روان، تصاویر گویا و صفحه‌آرایی متناسب با سن کودکان، به سادگی برای دانش‌آموزان پایه‌ی اول و دوم دبستان قابل مطالعه است.



گروه سنی ب و ج: دانش آموزان پایه‌ی دوم تا پنجم دبستان

مجموعه‌ی “مواظبت از معلم شیطون”، “مواظبت از بابا بزرگ شیطون” و “مواظبت از ماما بزرگ شیطون” مجموعه‌ای با عناوین بسیار جذاب برای کودکان است. در هر یک از این کتاب‌ها، کودکان با مهارت‌هایی نظیر روابط بین فردی، همدلی، ارتباط سازنده و حل مسئله آشنا می‌شوند. این مجموعه که توسط جین ریگان نوشته و توسط انتشارات پرتقال منتشر شده است، شامل تصاویر مهیج و متن‌های کوتاه و ساده است که خواندنش را برای کودکان بسیار دلپذیر می‌کند.



گروه سنی ج و د: دانش آموزان دوره‌ی دوم دبستان

دانش آموزان با ورود به دوره‌ی نوجوانی، با نیازها و مهارت‌های اجتماعی گسترده‌تری مواجه می‌شوند. از جمله مهارت‌هایی که دانش آموزان در اوایل نوجوانی به نداشتن آن پی می‌برند، مهارت‌های خودکنترلی، عزت نفس و خودآگاهی است. از جمله کتاب‌هایی که نشر بنفشه در این زمینه برای دانش آموزان منتشر کرده است، می‌توان به کتاب “دچار استرس می‌شویم! چه کنیم؟” نوشته‌ی رومین وردیک و ترجمه‌ی حسن نصیرنیا اشاره کرد. این کتاب با مخاطب قرار دادن دانش آموزان و با لحنی ساده و صمیمی، به معرفی علت‌های استرس و راهکارهای مقابله با آن پرداخته که برای دانش آموزان بسیار خواندنی و کاربردی است. هم چنین رهنمودهایی ویژه‌ی معلمان و اولیای دانش آموزان هم در این کتاب قرار گرفته است. علاوه بر کتاب‌های ترجمه‌ی شده‌ی فوق، باید در نظر داشت مجموعه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز کودکان، بسته به فرهنگ و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند ممکن است متفاوت باشد. از این رو مجموعه کتاب‌های “مهارت‌های زندگی” ویژه‌ی هر شش پایه‌ی مقطع دبستان، به نویسندگی سعید بی‌نیاز و طیبه قادری توسط انتشارات سرمشق منتشر شده است. این مجموعه‌ی آموزشی شامل مهارت‌های ده‌گانه است که در هر شش جلد، آموزش مهارت‌های پایه شامل خودآگاهی، همدلی، ارتباط موثر، روابط بین فردی، مقابله با استرس، مقابله با هیجان‌های منفی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری به ترتیب آورده شده است. متن کتاب شامل داستان، مهارت‌آموزی، تصاویر جذاب و مرتبط است. هم چنین انتشارات علوی نیز مجموعه‌ی شش جلدی دیگری به همین عنوان منتشر کرده است. در این مجموعه نیز مهارت‌های اجتماعی در شش پایه‌ی جداگانه و به صورت کتاب کار مورد استفاده‌ی دانش آموزان قرار می‌گیرد.



منابع:

- شکوری، مینا و پاشایی بخشایش، کبری. (۱۴۰۳). آموزش مهارت‌های زندگی در نظام آموزشی. اولین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین.
- انتشارات سرمشق (۱۴۰۳). ناشر تخصصی دبستان و پیش‌دبستان. <https://sarmashgh.ir>
- انتشارات قدیانی (۱۴۰۳). دسته‌بندی مهارت‌های اجتماعی کتاب‌های بنفشه. <https://ghadyani.org>
- انتشارات پرتقال (۱۴۰۳). کتاب‌های گروه سنی کودک و نوجوان. <https://porteghaal.com>



تبیین ضرورت ها و جایگاه مهارت های اجتماعی در برنامه درسی

بررسی چالش ها و ارائه راهکارها

کیوان جمشیدی - کارشناس ارشد علوم تربیتی، مهاباد



مقاله

چکیده:

مهارت های اجتماعی، شایستگی های ضروری هستند که دانش آموزان را قادر می سازند تا به طور مؤثر با جامعه ارتباط برقرار کرده، احساسات خود را مدیریت و اختلافات را حل کنند. گنجاندن آن ها در برنامه درسی برای تقویت رشد جامع، افزایش عملکرد تحصیلی و آماده سازی دانش آموزان برای موقعیت های اجتماعی و حرفه ای در زندگی واقعی حیاتی است.

چارچوب های آموزشی مدرن تأکید می کنند که مهارت های اجتماعی نباید به عنوان اختیاری یا فوق برنامه تلقی شوند، بلکه باید به طور سیستماتیک در تمام زمینه های یادگیری ادغام شوند. این مهارت ها را می توان به صراحت از طریق برنامه های اختصاصی یا به طور ضمنی در روش های تدریس مشارکتی و تعاملی در موضوعات مختلف آموزش داد. هدف از این پژوهش، تبیین ضرورت ها و جایگاه مهارت های اجتماعی در برنامه درسی: بررسی چالش ها و ارائه راهکارها است. روش تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و از روش کتابخانه ای برای جمع آوری و تحلیل داده ها استفاده شده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد فراگیری که مهارت های اجتماعی قوی دارند، رفتار کلاسی بهتر، تعامل بالاتر و نتایج تحصیلی بهتری از خود نشان می دهند. از این رو تحقیق به این نتیجه می رسد که مهارت های اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی در رشد متعادل شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان، در تربیت انسان هایی مسئول، مشارکت جو و سازگار با محیط اجتماعی نقشی اساسی ایفا کرده و تمرکز بر مهارت های اجتماعی، رفاه عاطفی، تاب آوری و روابط مثبت را ارتقا داده و به ایجاد محیط حمایتی و فراگیر کمک می کند.

کلید واژه ها: مهارت های اجتماعی، برنامه درسی، آموزش،

مقدمه:

عنوان پایه و اساس توسعه دانش آموزان برجسته می کنند. گنجاندن مهارت های اجتماعی در برنامه های درسی و شیوه های آموزشی، رویکردی جامع تر را پشتیبانی می کند و رشد شناختی و عاطفی را ارتقا می دهد (Jennings et al, 2015). علاوه بر این، پرورش مهارت های اجتماعی با خواسته های نیروی کار قرن بیست و یکم همسو است، جایی که کار تیمی، ارتباطات و هوش هیجانی به طور فزاینده ای در کنار تخصص فنی ارزش پیدا می کنند. علیرغم برخی چالش ها در طراحی و اجرای برنامه درسی، اجماع بین مربیان و سیاست گذاران واضح است: مهارت های اجتماعی باید جایگاه برجسته ای در برنامه های درسی آموزشی داشته باشند تا دانش آموزان را برای پیشرفت تحصیلی، روابط اجتماعی سالم و موفقیت حرفه ای آینده آماده کنند. نظام های آموزشی در قرن بیست و یکم با چالش هایی نظیر تنوع فرهنگی، گسترش ارتباطات مجازی، تحولات اقتصادی و پیچیدگی های روابط انسانی روبه رو هستند. در چنین شرایطی، صرفاً آموزش مفاهیم نظری نمی تواند پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان باشد (OECD, 2020).

در دنیای امروز که به سرعت در حال تغییر است، آموزش باید از دانش آکادمیک سستی فراتر رود تا زبان آموزان را برای پیچیدگی های زندگی مدرن آماده کند. محور این آماده سازی، توسعه مهارت های اجتماعی است که شامل توانایی های برقراری ارتباط مؤثر، همکاری، همدلی و مدیریت روابط بین فردی می شود (Gresham, Elliott, 2008). این مهارت ها نه تنها به عنوان عوامل ضروری برای رفاه شخصی، بلکه به عنوان عوامل تعیین کننده حیاتی موفقیت تحصیلی و سازگاری مادام العمر نیز شناخته می شوند (Durlak, 2011).

سیستم های آموزشی در سراسر جهان به طور فزاینده ای بر ادغام مهارت های اجتماعی در برنامه درسی به عنوان بخشی از یادگیری اجتماعی و عاطفی تأکید می کنند. چارچوب های (social and emotional learning) SEL چارچوب های مورد حمایت امور تحصیلی، شایستگی هایی از جمله خود آگاهی، خود مدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت های ارتباطی و تصمیم گیری مسئولانه را به



مقاله

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در سال‌های اخیر در پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناسی رشد مورد توجه قرار گرفته، مهارت‌های اجتماعی است؛ مجموعه‌ای از توانمندی‌ها که به فرد امکان می‌دهد روابط مؤثر، سالم و اخلاقی با دیگران برقرار کنند (Elias et al., 2023). مهارت‌هایی چون همدلی، کنترل هیجانات، گفت‌وگوی مؤثر، همکاری گروهی، حل مسئله و مسئولیت‌پذیری، نه تنها زیربنای سلامت روانی و عملکرد تحصیلی بهتر محسوب



می‌شوند، بلکه نقش مهمی در آمادگی برای زندگی شهروندی ایفا می‌کنند (OECD, 2024). این بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بسیاری از نظام‌های آموزشی، از جمله ایران، برنامه‌های درسی رسمی فاقد ساختار مشخص، هدفمند و یکپارچه برای آموزش این مهارت‌ها هستند. اغلب مهارت‌های اجتماعی در قالب فعالیت‌های فوق‌برنامه یا به صورت ضمنی در برخی دروس مطرح می‌شوند، در حالی که توسعه پایدار اجتماعی و فرهنگی نیازمند تلفیق آگاهانه این مهارت‌ها در تمامی اجزای برنامه درسی است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲).

آموزش مهارت‌های اجتماعی نه تنها منجر به کاهش رفتارهای پرخطر و تعارضات میان‌فردی می‌شود، بلکه موجب تقویت مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یادگیری، ارتقای انگیزه تحصیلی و افزایش انسجام کلاس‌های درسی نیز می‌گردد (Greenberg et al., 2017). با وجود این، اغلب پژوهش‌های داخلی به بررسی اثرات این مهارت‌ها در سطح فردی یا در چارچوب برنامه‌های غیررسمی پرداخته‌اند و کم‌تر به تحلیل جایگاه مهارت‌های اجتماعی در ساختار رسمی برنامه درسی توجه داشته‌اند (یعقوبی و بابایی، ۱۴۰۱).

تحول سریع چشم‌اندازهای اجتماعی، فناوری و اقتصادی، انتظارات

از سیستم‌های آموزشی را تغییر داده است. فراتر از مهارت تحصیلی، زبان‌آموزان امروزی باید اثربخشی بین فردی، هوش هیجانی و ظرفیت کار مشارکتی را نشان دهند. به همین ترتیب، مهارت‌های اجتماعی به عنوان شایستگی‌های ضروری در برنامه درسی قرن بیست و یکم ظهور کرده‌اند (OECD, 2018). بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، در پی تبیین ضرورت‌ها و جایگاه کنونی مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی و ارائه پیشنهادهایی برای تقویت این جایگاه در سطوح مختلف طراحی آموزشی است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

۱- مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن

مهارت‌های اجتماعی شامل مجموعه گسترده‌ای از رفتارها و شایستگی‌ها، از جمله ارتباط، همکاری، همدلی، خودتنظیمی و حل تعارض است. این مهارت‌ها افراد را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر با دیگران تعامل داشته باشند، روابط اجتماعی را مدیریت کنند و در زمینه‌های اجتماعی متنوع حرکت کنند (Gresham, Elliott, 2008).

مهارت‌های اجتماعی اغلب با چارچوب‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی (SEL) به ویژه مدل CASEL، که شامل پنج شایستگی اصلی است، همسو هستند: خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی و تصمیم‌گیری مسئولانه (casel, 2020).

۲- اهمیت آموزش مهارت‌های اجتماعی

۱-۲: پیشرفت تحصیلی: مطالعات متعدد، همبستگی قوی بین مهارت‌های اجتماعی و عملکرد تحصیلی را نشان می‌دهند. دانش‌آموزانی که مهارت‌های اجتماعی خوبی دارند، سطوح بالاتری از تعامل، رفتار بهتر در کلاس درس و نتایج تحصیلی بهبود یافته را نشان می‌دهند (Durlak et al., 2011). مهارت‌های اجتماعی با تقویت همکاری، افزایش انگیزه و کاهش رفتارهای مخرب، از یادگیری پشتیبانی می‌کنند.

۲-۲: رشد عاطفی و رفتاری: مهارت‌های اجتماعی به رفاه عاطفی، تاب‌آوری و سلامت روان دانش‌آموزان کمک می‌کنند (Zins & Elias, 2007). برنامه‌هایی که این مهارت‌ها را هدف قرار می‌دهند، نشان داده‌اند که اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری را در بین دانش‌آموزان کاهش می‌دهند.

۳-۲: آمادگی نیروی کار آینده: در بازار کاری که مهارت‌های نرم به اندازه تخصص فنی ارزش دارند، مهارت‌های اجتماعی مانند کار تیمی، ارتباطات و سازگاری برای اشتغال‌پذیری بسیار مهم هستند (OECD, 2020).



مقاله

نظری و کرمی (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان پرداختند و نتیجه گرفتند که برنامه‌های درسی رسمی نیازمند بازنگری اساسی برای تلفیق مؤثر این مهارت‌ها هستند.

(OECD, 2024) در گزارش جهانی خود به بررسی سیاست‌ها و تجربیات موفق کشورها در تلفیق مهارت‌های اجتماعی و هیجانی در برنامه درسی پرداخته و تأکید دارد که آموزش ساختاریافته این مهارت‌ها موجب کاهش ترک تحصیل، افزایش احساس تعلق به



مدرسه و تقویت توانمندی‌های آینده‌نگر در دانش‌آموزان می‌شود. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD, 2024) یک تحلیل بین‌کشوری انجام داد که نشان می‌دهد کشورهایی که به صراحت SEL و شایستگی‌های اجتماعی را در برنامه‌های درسی خود ادغام می‌کنند، شاهد بهبود در نتایج تحصیلی، فضای مدرسه و رفاه دانش‌آموزان هستند.

(Elias et al, 2023) نشان دادند که مدارس دارای برنامه درسی تلفیقی با آموزش مهارت‌های اجتماعی، عملکرد تحصیلی بالاتری دارند و در کاهش تعارض‌های میان‌فردی مؤثرتر عمل می‌کنند. آن‌ها تأکید می‌کنند که برنامه‌های اجتماعی-عاطفی زمانی بیشترین تأثیر را دارند که مستقیماً در آموزش کلاس درس گنجانده شوند و از طریق شیوه‌های مدرسه تقویت شوند، نه اینکه به عنوان برنامه‌های جداگانه یا مکمل در نظر گرفته شوند.

۳- ادغام در برنامه درسی

مهارت‌های اجتماعی را می‌توان به دو روش اصلی در برنامه درسی گنجاند:

۱-۳: آموزش صریح: بسیاری از سیستم‌های آموزشی شامل برنامه‌های رسمی SEL یا آموزش مهارت‌های زندگی (۵ مهارت اشاره شده) برای آموزش صریح شایستگی‌های اجتماعی هستند. این برنامه‌ها معمولاً شامل دروس ساختاریافته، ایفای نقش و فعالیت‌های تأملی هستند (domitrovich et al, 2017).

۲-۳: یادگیری ضمنی: مهارت‌های اجتماعی می‌توانند از طریق استراتژی‌های آموزشی که همکاری و ارتباط را ترویج می‌دهند، ادغام شوند. به عنوان مثال، یادگیری مشارکتی، آموزش همتا، یادگیری مبتنی بر پروژه و بحث‌های کلاسی به طور طبیعی توسعه اجتماعی را تقویت می‌کنند (Johnson & Johnson, 2020).

۴- نقش مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی

در نظریه برنامه درسی معاصر، توسعه مهارت‌های اجتماعی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک هدف آموزشی کلیدی، همسو با شایستگی‌های قرن بیست و یکم در نظر گرفته می‌شود. چارچوب‌های برنامه درسی در بسیاری از کشورها اکنون بر رشد کامل کودک تأکید دارند، جایی که رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی در هم ادغام می‌شوند (OECD, 2024).

مهارت‌های اجتماعی مستقیماً در ایجاد محیط‌های یادگیری فراگیر و حمایتی نقش دارند، موارد تنش و درگیری را کاهش می‌دهند و آمادگی دانش‌آموزان را برای مشارکت مدنی و یادگیری مادام‌العمر افزایش می‌دهند. با این حال، در بسیاری از سیستم‌های آموزشی، این مهارت‌ها به طور ضمنی مورد توجه قرار می‌گیرند یا به طور ناکافی در برنامه‌های درسی اصلی گنجانده شده‌اند (Elias et al, 2023).

مطالعات مختلف در سال‌های اخیر به بررسی نقش مهارت‌های اجتماعی در محیط‌های آموزشی پرداخته‌اند:

محمودی و تیموری (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جایگاه مهارت‌های اجتماعی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه» دریافته‌اند که در اغلب کتاب‌ها، مهارت‌های اجتماعی به صورت پراکنده و فاقد رویکرد تلفیقی مطرح شده‌اند.

رضایی و همکاران (۱۴۰۲) نیز تأکید کردند که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با وجود تأکید بر شایستگی‌های عمومی، سازوکار اجرایی مشخصی برای آموزش منسجم مهارت‌های اجتماعی ارائه نشده است.



مقاله

(Taylor et al., 2022) تأکید می کند

که برنامه های درسی طراحی شده با آموزش مهارت های اجتماعی نهادینه شده، روابط بهتر معلم-دانش آموز و همکاری همسالان را، به ویژه در محیط های یادگیری متنوع یا پرخطر، ارتقا می دهند.

(Gresham & Elliott, 2021) در تحقیق خود ابزار SSIS را

برای سنجش و آموزش مهارت های اجتماعی در کلاس درس طراحی و ارزیابی کردند و اثربخشی آن را بر بهبود رفتارهای مشارکتی و کاهش رفتارهای ناسازگارانه تأیید نمودند.

(mahony et al, 2021) شواهد فراتحلیلی ارائه می دهند که

نشان می دهد برنامه های SEL که به خوبی اجرا می شوند، به طور قابل توجهی رفتار اجتماعی، تنظیم عاطفی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را افزایش می دهند.

با وجود این یافته ها، چالش ها در تضمین این که برنامه های درسی، دقت آکادمیک را با پرورش شایستگی های اجتماعی و عاطفی متعادل کنند، هم چنان پابرجاست. درخواست فزاینده ای برای چارچوب های درسی وجود دارد که از نظر رشدی مناسب، از نظر فرهنگی پاسخگو و به طور سیستماتیک در تمام سطوح مدرسه اجرا شوند (Jones et al., 2023).

کشورهایی مانند فنلاند، سنگاپور و کانادا مهارت های اجتماعی را در برنامه های درسی ملی خود گنجانده اند و بر توسعه کامل کودک تأکید دارند. یونسکو (UNESCO, 2021) نیز از یادگیری اجتماعی-عاطفی به عنوان ستون آموزش برای توسعه پایدار حمایت می کند. در ایالات متحده، قانون «هر دانش آموز موفق می شود» (ESSA, 2015) از شاخص های مهارت اجتماعی دانش آموزان پشتیبانی می کند و ایالت ها را تشویق می کند تا شایستگی های مرتبط با SEL را در سیستم های پاسخگویی بگنجانند.

۵- چالش ها و مشکلات مربوط به جایگاه مهارت های اجتماعی در برنامه درسی

۱-۵: عدم وجود چارچوب نظری بومی و منسجم: با وجود تأکید اسناد بالادستی بر پرورش همه جانبه دانش آموزان، در نظام آموزش و پرورش ایران هنوز چارچوب نظری بومی شده ای برای تعریف، دسته بندی و هدف گذاری مهارت های اجتماعی وجود ندارد. نبود چنین چارچوبی باعث شده که آموزش این مهارت ها به شکل پراکنده، موردی و بدون انسجام نظری دنبال شود (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲).

۲-۵: فقدان تلفیق نظام مند با برنامه درسی رسمی: یکی از چالش های اساسی، جدایی آموزش مهارت های اجتماعی از برنامه درسی رسمی است. در بسیاری از موارد، این مهارت ها یا به حاشیه رانده شده اند (در قالب ساعات پرورشی یا فعالیت های فوق برنامه) یا بدون رویکرد تلفیقی در محتوای درسی گنجانده شده اند، که این امر مانع از تحقق یادگیری پایدار و نظام مند می شود (OECD, 2024).

۳-۵: کمبود صلاحیت حرفه ای و آموزش تخصصی معلمان: مطالعات نشان می دهد که بیشتر معلمان آموزش لازم برای تدریس مهارت های اجتماعی را دریافت نکرده اند و از ابزارها و روش های نوین در این حوزه بی بهره اند (Taylor et al., 2022). در نتیجه، حتی در صورت وجود محتوای مناسب، نبود معلمان توانمند یکی از مهم ترین موانع اجرای مؤثر این نوع آموزش محسوب می شود.

۴-۵: مشکلات ارزشیابی و سنجش: در نظام آموزشی سنتی، ارزیابی ها عمدتاً بر دانش شناختی متمرکز هستند و ابزارهای معتبری برای سنجش رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان در دسترس نیست. نبود معیارهای سنجش کیفی، موجب نادیده گرفتن این حوزه در نظام ارتقا و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می شود (Mahoney et al., 2021).

۵-۵: ضعف در سیاست گذاری کلان و تخصیص منابع: در سیاست گذاری های کلان آموزش و پرورش، مهارت های اجتماعی معمولاً در اولویت پایین تری نسبت به مهارت های شناختی و درسی قرار دارند. هم چنین، کمبود منابع مالی، انسانی و زیرساختی برای توسعه آموزش اجتماعی از دیگر چالش های اساسی در این زمینه است (Jones et al., 2023).

۶-۵: تعارض فرهنگی و مقاومت والدین یا جامعه: در برخی بافت های فرهنگی و اجتماعی، آموزش مستقیم برخی مهارت ها (مانند گفت و گو، ابراز وجود یا مهارت نه گفتن) با مقاومت خانواده ها یا ارزش های سنتی روبه رو می شود. این مسئله می تواند اجرای برنامه های مهارت محور را با چالش جدی مواجه سازد (CASEL, 2023).

۶- چارچوب عملی و اجرایی برای تقویت جایگاه مهارت های اجتماعی در برنامه درسی

۱-۶: تدوین سیاست های رسمی برای نهادینه سازی مهارت های اجتماعی: طراحی و تصویب راهبرد ملی آموزش مهارت های اجتماعی با همکاری نهادهایی مانند وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، و پژوهشگاه های تربیتی، گنجاندن اهداف مشخص اجتماعی-هیجانی در برنامه درسی ملی،



مقاله

بنیادین آموزش و پرورش به «پرورش انسان متعادل و چندبعدی» اشاره شده است، اما مدل مشخصی برای تلفیق مهارت‌های اجتماعی با دروس اصلی مانند ریاضی، علوم یا فارسی وجود ندارد. در نتیجه، آموزش این مهارت‌ها اغلب به فضای غیررسمی (مانند ساعات فوق‌برنامه یا فعالیت‌های فرهنگی) محدود شده است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۲).

مطالعات بین‌المللی از جمله تحقیقات (OECD (2024 و (Mahoney et al., 2021) نشان می‌دهند که آموزش



ساختاریافته مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی، موجب بهبود رفتار مشارکتی، کاهش تعارض‌های رفتاری، ارتقای انگیزه تحصیلی و ایجاد جوّ کلاس مثبت می‌شود. این یافته‌ها با پژوهش‌های داخلی هم‌راستا هستند که تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی را بر کاهش پرخاشگری، افزایش مسئولیت‌پذیری و پیشرفت تحصیلی تأیید کرده‌اند (نظری و کرمی، ۱۴۰۱).

یافته‌ها تأکید می‌کنند که برای تحقق اهداف تربیتی قرن ۲۱، برنامه‌های درسی باید از رویکردهای دانش‌محور صرف فاصله گرفته و به سمت الگوهای شایستگی‌محور حرکت کنند. این امر مستلزم تدوین چارچوب‌های جدید، تولید محتوای آموزشی، آموزش معلمان و

بر اساس مدل‌هایی مانند چارچوب SEL.

۶-۲: بازنگری در محتوای درسی و تلفیق مهارت‌ها با دروس موجود: طراحی راهنماهای تلفیقی برای گنجانیدن مهارت‌های اجتماعی در دروسی هم‌چون فارسی، مطالعات اجتماعی، علوم و هنر. استفاده از رویکردهای یاددهی-یادگیری مشارکتی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، بازی‌های گروهی، نمایش‌نامه‌خوانی و کارگاه‌های گفت‌وگو.

۶-۳: توانمندسازی معلمان و مربیان: برگزاری دوره‌های ضمن خدمت حرفه‌ای و کارگاه‌های مهارت‌آموزی برای آشنایی معلمان با روش‌های تدریس، ارزیابی و تقویت مهارت‌های اجتماعی.

تدوین بسته‌های آموزشی استاندارد برای معلمان بر اساس آخرین یافته‌های روان‌شناسی رشد، آموزش SEL و بوم فرهنگی ایران.

۶-۴: توسعه ابزارهای ارزیابی مهارت‌های اجتماعی: طراحی ابزارهای کیفی و ترکیبی برای سنجش مهارت‌هایی نظیر همدلی، حل مسئله، همکاری و کنترل هیجان.

تدوین نظام ارزشیابی توصیفی مکمل، به گونه‌ای که پیشرفت اجتماعی و بین‌فردی نیز در کارنامه‌های تحصیلی لحاظ شود.

۶-۵: همکاری خانواده، مدرسه و جامعه: اجرای برنامه‌های مشارکتی مدرسه-والدین برای آگاه‌سازی خانواده‌ها از اهمیت مهارت‌های اجتماعی و چگونگی تقویت آن‌ها در خانه.

استفاده از ظرفیت رسانه‌ها، انجمن‌های اولیا و مربیان، و فضاهای عمومی برای گسترش فرهنگ آموزش اجتماعی.

۶-۶: ایجاد مدارس پایلوت و اجرای آزمایشی برنامه‌ها: شناسایی مدارس منتخب در هر منطقه برای اجرای آزمایشی برنامه‌های تلفیقی آموزش مهارت‌های اجتماعی.

پایش و ارزیابی مستمر این مدارس برای استخراج تجربه‌های موفق و تعمیم‌پذیر.

یافته‌های تحقیق:

تحلیل اسناد رسمی و محتوای کتاب‌های درسی نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی ایران به صورت مستقیم و هدفمند طراحی نشده است. مفاهیم مرتبط با همدلی، گفت‌وگو، مسئولیت‌پذیری و مشارکت اجتماعی به طور پراکنده در برخی دروس مانند مطالعات اجتماعی یا هدیه‌های آسمانی وجود دارد، اما فاقد پیوستگی محتوایی، سطوح هدف‌گذاری شده و ارزشیابی معنادار هستند (محمدی و تیموری، ۱۴۰۲).

یافته‌ها نشان می‌دهند که اگرچه در اسناد بالادستی مانند سند تحول



مقاله

بازنگری در نظام ارزشیابی است (Elias et al., 2023; Jones et al., 2023) یافته‌ها حاکی از آن است که حتی در صورت نبود برنامه رسمی، بسیاری از معلمان تلاش می‌کنند از طریق تجربه‌های کلاس درس، تعاملات روزمره و گفت‌وگوهای آزاد،

به آموزش غیررسمی مهارت‌های اجتماعی بپردازند. اما نبود آموزش تخصصی و پشتیبانی نهادی، این تلاش‌ها را محدود و ناپایدار می‌سازد (Taylor et al., 2022).

نتیجه‌گیری:

پیاده‌سازی موفق مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی نیازمند رویکردی سیستماتیک و فراتر از تغییرات محتوایی است. این چارچوب اجرایی باید با حمایت سیاست‌گذاران، مشارکت معلمان، همکاری خانواده‌ها و توسعه مستمر منابع انسانی همراه شود تا به تربیت نسل‌هایی اجتماعی، مسئول و کارآمد منتهی گردد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، هم‌چنان جایگاهی حاشیه‌ای و غیرنظام‌مند در برنامه درسی رسمی آموزش و پرورش ایران دارند. با وجود تأکید مستند در اسناد بالادستی از جمله ((سند

تحول بنیادین)) و ((الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت)) بر پرورش انسان متعادل و اجتماعی، فقدان یک چارچوب نظری بومی، نبود الگوهای تلفیقی آموزشی، کمبود آموزش‌های تخصصی برای معلمان، و ضعف در ارزشیابی مهارت‌های اجتماعی، از جمله مهم‌ترین موانع تحقق این اهداف است.

مطالعات بین‌المللی از جمله گزارش‌های (OECD, 2024) و مدل‌های SEL مانند چارچوب CASEL، به‌روشنی نشان می‌دهند که ادغام مؤثر مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی، نه تنها به بهبود تعاملات بین‌فردی و ارتقاء سلامت روان دانش‌آموزان منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز پیشرفت تحصیلی، کاهش افت آموزشی، و تربیت شهروندانی مسئول و مشارکت‌جو خواهد بود.

از این‌رو این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که ضرورتاً نظام آموزشی کشور باید با عبور از رویکردهای سنتی و تک‌بعدی، به سمت برنامه‌ریزی درسی شایستگی‌محور حرکت کند. یعنی برنامه‌ای که در آن، مهارت‌های اجتماعی نه به‌عنوان محتوایی جنبی، بلکه به‌عنوان بخشی بنیادین از فرآیند یاددهی-یادگیری در همه سطوح تحصیلی نهادینه گردد. تحقق این مهم نیازمند بازنگری در سیاست‌گذاری‌های کلان، توانمندسازی منابع انسانی، توسعه ابزارهای سنجش، و ایجاد سازوکارهای اجرایی پایدار و بومی‌سازی شده است.

منابع فارسی:

- رضایی، م.، محمودی، ر. و سلیمانی، ف. (۱۴۰۲). بررسی ضرورت تلفیق مهارت‌های زندگی و اجتماعی در برنامه درسی ملی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۸(۳)، ۷۷-۹۵.
- رضایی، م.، احمدی، ر. و جعفری، ف. (۱۴۰۲). چالش‌ها و راهکارهای ادغام مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی. پژوهش‌های تربیتی، ۹(۲)، ۸۵-۱۰۴.
- رضایی، م.، محمودی، ر. و سلیمانی، ف. (۱۴۰۲). ضرورت تلفیق مهارت‌های زندگی در برنامه درسی ملی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۸(۳)، ۷۷-۹۵.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۴۰۱). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- محمدی، س. تیموری، ن. (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی متوسطه از منظر مهارت
- محمدی، س. تیموری، ن. (۱۴۰۲). بررسی جایگاه مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی رسمی ایران. مجله آموزش و پرورش پژوهش، ۱۸(۳)، ۴۵-۶۲.
- نظری، س. کرمی، ع. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان. پژوهش‌های تربیتی معاصر، ۲۹(۲)، ۳۳-۴۹.
- نظری، س. کرمی، ع. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی. مجله روان‌شناسی تربیتی، ۱۵(۱)، ۷۰-۸۹.
- یعقوبی، ش. و بابایی، ن. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و روابط بین‌فردی دانش‌آموزان ابتدایی. پژوهش‌های تربیتی معاصر، ۲۹(۳)، ۴۱-۵۸.

منابع لاتین:

- CASEL. (2023). Framework for Systemic Social and Emotional Learning. www.casel.org
- CASEL. (2020). What is SEL?. Collaborative for Academic, Social, and Emotional Learning.
- Domitrovich, C. E., Durlak, J. A., Staley, K. C., & Weissberg, R. P. (2017). Social-emotional competence: An essential factor for promoting positive adjustment and reducing risk in school children. *Child Development*, 88(2), 408-416.
- Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child Development*, 82(1), 405-432.
- Elias, M. J., Zins, J. E., Weissberg, R. P. (2023). *Social and Emotional Learning: Enhancing Students' Capacity for Success*. Routledge.
- Gresham, F. M., & Elliott, S. N. (2021). *Social Skills Improvement System (SSIS) Rating Scales Manual*. Pearson Assessments.
- Gresham, F. M., & Elliott, S. N. (2008). *Social Skills Improvement System: Rating scales manual*. Pearson Assessments.
- Jennings, P. A., & Frank, J. L. (2015). In-service preparation for educators to promote social-emotional learning. In J. A. Durlak et al. (Eds.), *Handbook of social and emotional learning* (pp. 378-393). Guilford Press.
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (2009). An educational psychology success story: Social interdependence theory and cooperative learning. *Educational Researcher*, 38(5), 365-379.
- Mahoney, J. L., Weissberg, R. P., Durlak, J. A. (2021). Social and emotional learning: A meta-analysis of universal interventions. *Child Development*, 92(2), 512-529.
- OECD. (2024). *Teaching and Learning for Social and Emotional Skills: Global Practices and Insights*. OECD Publishing.
- OECD. (2018). *The future of education and skills: Education 2030*. OECD Publishing.
- UNESCO. (2021). *Futures of education: A new social contract*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- UNESCO. (2021). *Futures of education: A new social contract*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- World Economic Forum. (2020). *The Future of Jobs Report 2020*. Geneva: WEF.
- Zins, J. E., & Elias, M. J. (2007). Social and emotional learning: Promoting the development of all students. *Journal of Educational and Psychological Consultation*, 17(2-3), 223-255.
- Zins, J. E., Bloodworth, M. R., Weissberg, R. P., & Walberg, H. J. (2020). The scientific base linking social and emotional learning to school success. *Journal of Educational and Psychological Consultation*, 30(2), 123-140.



آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس ضرورت‌ها و راهکارها

پریسا نوری - دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه هرمزگان 

مقدمه:

مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی از دوره ابتدایی، گامی اساسی برای پرورش نسلی آگاه، مسئولیت‌پذیر و توانمند است که می‌تواند نقش‌های مؤثری در جامعه ایفا کند (کیو و همکاران، ۲۰۲۰).

اهمیت و ضرورت آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس:

مهارت‌های اجتماعی از اساسی‌ترین ابعاد رشد روان‌شناختی انسان محسوب می‌شوند و نقش کلیدی در شکل‌گیری تعاملات بین‌فردی، تنظیم هیجانی، تصمیم‌گیری و حل مسئله ایفا می‌کنند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، این مهارت‌ها نه در انزوا، بلکه از طریق تعامل مستمر با محیط و مشارکت فعال در موقعیت‌های اجتماعی پرورش می‌یابند. با این حال، غلبه رویکردهای سنتی در نظام‌های آموزشی، که تمرکز اصلی آن‌ها بر انتقال دانش نظری است، منجر به کم‌توجهی به این مهارت‌های بنیادین شده است (دارلاک و همکاران، ۲۰۱۱). غفلت از آموزش مهارت‌های اجتماعی

در دنیای امروز، نظام‌های آموزشی دیگر صرفاً به انتقال دانش و مهارت‌های آکادمیک محدود نمی‌شوند، بلکه نقشی اساسی را در فراهم کردن بستری مناسب برای توانمندسازی نسل آینده در مواجهه با تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایفا می‌کنند (پیرس و همکاران، ۲۰۲۰). در این میان، توسعه پایدار هر جامعه مستلزم پرورش افرادی است که نه تنها از سلامت جسمی و روانی برخوردار باشند، بلکه با فراگیری مهارت‌های اجتماعی و بین‌فردی، توانایی مشارکت مؤثر در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را نیز کسب کنند (ملک‌پور شهرکی، احمدی و غضنفری، ۱۴۰۲).

در این راستا، توجه به ارتقای سلامت روان، رشد شناختی و توسعه مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، از جمله اولویت‌های اساسی در نظام‌های آموزشی به‌شمار می‌رود. این امر، نه صرفاً به‌عنوان یک مؤلفه جانبی، بلکه به‌مثابه راهبردی کلیدی در شکل‌گیری شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان تلقی می‌شود. ادغام آموزش



(دارلاک و همکاران، ۲۰۱۱).

یافته‌های روان‌شناختی نشان می‌دهند که مهارت‌هایی مانند ارتباط مؤثر، خودتنظیمی هیجانی، حل تعارض و تفکر انتقادی، زمانی بیشترین اثربخشی را خواهند داشت که در بستر تعاملات واقعی و از طریق تمرین و تجربه آموخته شوند (دارلاک و همکاران، ۲۰۱۱). در مقابل، کمبود این مهارت‌ها می‌تواند به مشکلاتی نظیر انزوای اجتماعی، کاهش تاب‌آوری روان‌شناختی و افزایش رفتارهای پرخطر منجر شود. از این رو، بازنگری در سیاست‌های آموزشی و ادغام نظام‌مند مهارت‌های اجتماعی در برنامه‌های درسی، ضرورتی انکارناپذیر است که نه تنها مسیر رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان را هموار می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز پرورش نسلی توانمند، مسئولیت‌پذیر و سازگار با چالش‌های زندگی خواهد بود.

تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی در بهبود رشد روانی-رفتاری دانش‌آموزان: چالش‌ها و مداخلات مؤثر در محیط مدرسه:

نظام آموزشی یکی از ارکان اساسی در شکل‌گیری و تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان به‌شمار می‌آید. باین‌حال، شواهد بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان در زمینه تعاملات اجتماعی و مهارت‌های زندگی با ضعف‌های جدی مواجه‌اند. رفتارهایی هم چون ناتوانی در برقراری ارتباط مؤثر، فقدان مسئولیت‌پذیری، انزوای اجتماعی، پرخاشگری و ضعف در حل مسئله، از جمله چالش‌هایی هستند که می‌توانند بر سلامت روان و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی بگذارند. این مسائل نه تنها باعث افزایش رفتارهای پرخطر در محیط‌های آموزشی می‌شود، بلکه زمینه‌ساز مشکلاتی نظیر کاهش اعتمادبه‌نفس، اضطراب اجتماعی و افت انگیزه یادگیری است.

تجزیه و تحلیل شواهد نشان می‌دهد که عدم آموزش مهارت‌های اجتماعی در سال‌های نخست زندگی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری مشکلات رفتاری در دوران مدرسه است. این امر به‌ویژه در تعاملات کلاسی، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و رعایت هنجارهای اجتماعی در محیط مدرسه قابل مشاهده است. در این راستا، رویکردهای

می‌تواند پیامدهایی مانند کاهش اعتمادبه‌نفس، ضعف در برقراری روابط مؤثر و افزایش مشکلات رفتاری را در دانش‌آموزان به دنبال داشته باشد. بنابراین، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی که مهارت‌های اجتماعی را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند رشد دانش‌آموزان در نظر بگیرد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. چنین رویکردی نه تنها به بهبود سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک



می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رشد هویت فردی و اجتماعی در آنان خواهد شد (خاتون‌تقیه، لیاقتدار و زمانی، ۱۳۹۸).

در نظام آموزشی ایران، آموزش مهارت‌های اجتماعی و زندگی در چارچوب برنامه‌های درسی رسمی، کتاب‌های درسی و طرح‌هایی هم چون «طرح کرامت» گنجانده شده است (اوحدی و مظاهری، ۱۳۹۱). در واقع، مدارس نباید صرفاً انتقال‌دهنده دانش نظری باشند، بلکه باید بستری برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در موقعیت‌های واقعی زندگی فراهم آورند. زمانی که مهارت‌هایی هم چون ارتباط مؤثر، حل تعارض، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری به‌طور نظام‌مند در فرایند یاددهی-یادگیری ادغام شوند، آموزش و پرورش نه تنها موجب توانمندسازی دانش‌آموزان در زندگی فردی و اجتماعی خواهد شد، بلکه زمینه‌ساز ارتقای سرمایه اجتماعی، کاهش رفتارهای پرخطر و افزایش انگیزه و خودکارآمدی تحصیلی در میان آنان خواهد بود. یادگیری مهارت‌های اجتماعی در سنین پایین تأثیر مستقیمی بر موفقیت‌های آینده، سازگاری اجتماعی و کاهش اضطراب و استرس در موقعیت‌های مختلف زندگی دارد



مسئولیت‌پذیری ترغیب می‌کند. در نتیجه، تعامل سازنده میان نظام آموزشی، خانواده و مدرسه، زمینه‌ساز پرورش نسلی خواهد بود که نه تنها در عرصه علمی، بلکه در زندگی اجتماعی نیز توانمند و اثرگذار باشد.

مدرسه، بستری برای آموزش مهارت‌های اجتماعی:

راهکارهای نوین و رویکردهای کاربردی

*** نقش والدین در پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان:**

والدین، به‌عنوان نخستین و تأثیرگذارترین الگوی اجتماعی فرزندان، نقش اساسی در فرآیند جامعه‌پذیری،

آموزشی سنتی که بر شیوه‌های انتقال‌محور تأکید دارند، قادر به پاسخ‌گویی به این نیازهای تربیتی نیستند. بنابراین، طراحی برنامه‌های آموزشی مبتنی بر یادگیری تجربی، شبیه‌سازی موقعیت‌های اجتماعی، کار گروهی و ارائه بازخوردهای اصلاحی می‌تواند نقش مؤثری در تقویت این مهارت‌ها داشته باشد.

نقش نظام آموزشی، خانواده و مدرسه در پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان

پرورش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مستلزم تعامل هدفمند میان نظام آموزشی، خانواده و محیط مدرسه است. نظام آموزشی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تربیت اجتماعی، باید از طریق طراحی برنامه‌های درسی کارآمد، ایجاد محیط‌های یادگیری تعاملی و توانمندسازی معلمان، بستر مناسبی را برای آموزش عملی این مهارت‌ها فراهم کند. از این رو لازم است مهارت‌های اجتماعی از طریق روش‌های آموزشی فعال، مشارکت گروهی و تجربیات عملی در کلاس درس به دانش‌آموزان آموزش داده شده و در رفتار آن‌ها نهادینه شود.

خانواده نیز به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی کودکان دارد. والدین از طریق الگوسازی رفتارهای مطلوب، ایجاد فضای گفت‌وگو و تشویق به تعاملات اجتماعی سازنده، می‌توانند زمینه تقویت این مهارت‌ها را فراهم کنند. در این میان، معلمان نیز نه تنها نقش تسهیل‌گران آموزشی را ایفا می‌کنند، بلکه راهبران تربیتی محسوب می‌شوند که باید با بهره‌گیری از روش‌های تدریس خلاقانه، ایجاد فرصت‌های یادگیری مشارکتی و ترویج فعالیت‌های گروهی، دانش‌آموزان را به تعاملات اجتماعی مؤثر سوق دهند.

علاوه بر این، مدرسه به‌عنوان محیطی اجتماعی و آموزشی، نقشی اساسی در تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد و آن‌ها را برای مشارکت فعال در جامعه آماده می‌سازد. برای تحقق این هدف، مدارس باید فراتر از آموزش‌های نظری، بستری برای یادگیری عملی این مهارت‌ها فراهم کنند. اجرای برنامه‌های گروهی، کار تیمی، کارگاه‌های مهارت‌آموزی و ایجاد فضای یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان را به تعاملات مؤثر، حل مسئله و



هویت‌یابی و پرورش مهارت‌های اجتماعی آنان ایفا می‌کنند. تعامل آگاهانه و هدفمند آن‌ها با فرزندان، زمینه‌ساز تقویت استقلال فردی، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی است. بر همین اساس، ارتقای آگاهی والدین نسبت به اصول تربیت و نقش مؤثرشان در رشد اجتماعی دانش‌آموزان ضرورتی انکارناپذیر است. ازجمله راهکارهای پیشنهادی در این زمینه می‌توان به گفت‌وگوی همدلانه، احترام به هویت فردی فرزندان، واگذاری مسئولیت‌های متناسب با سن، مشارکت در فعالیت‌های خانوادگی و مدیریت استفاده از فضای مجازی اشاره کرد. در نتیجه، والدین با افزایش آگاهی و به‌کارگیری مهارت‌های تربیتی مؤثر، نقش تعیین‌کننده‌ای در آموزش و بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کنند.

*** ایجاد محیط یادگیری پویا و تعاملی در کلاس**

درس:

محیط یادگیری اثربخش، فضایی است که در آن دانش‌آموزان نه تنها محتوای درسی را می‌آموزند، بلکه



مهارت‌های اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و تعاملات مثبت را نیز تجربه می‌کنند. در این راستا، مشارکت دانش‌آموزان در نگهداری فضای سبز کلاس، یکی از روش‌های نوآورانه برای تقویت حس مسئولیت‌پذیری، همکاری و تعلق به محیط آموزشی بود. این اقدام، علاوه بر ایجاد فضایی شاداب و کاهش استرس، به تقویت کار گروهی و توسعه مهارت‌های ارتباطی میان دانش‌آموزان کمک کرد.

افزون بر این، راه‌اندازی کتابخانه کلاسی با مشارکت دانش‌آموزان و والدین، بستری برای ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و تبادل نظر فراهم ساخت. دانش‌آموزان نه تنها در انتخاب و مدیریت منابع کتابخانه مشارکت کردند، بلکه از طریق جلسات معرفی و نقد کتاب، مهارت‌های گفت‌وگو، استدلال و پذیرش دیدگاه‌های متفاوت را تمرین نمودند. این شیوه یادگیری تعاملی، مدرسه را از نقش صرفاً آموزشی فراتر برده و به محیطی پویا برای تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و پرورش تعاملات سازنده میان آن‌ها تبدیل می‌کند.

* کاربرد چند رسانه‌ای‌ها در آموزش مهارت‌های اجتماعی:

استفاده از رسانه‌ها در آموزش مهارت‌های اجتماعی، رویکردی نوین و اثربخش است که زمینه یادگیری معنادار و پایدار را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. نمایش انیمیشن‌های آموزشی مرتبط با مهارت‌های اجتماعی، فرصتی برای مشاهده تعاملات اجتماعی، تحلیل رفتار شخصیت‌ها، شناخت پیامدهای تصمیم‌گیری‌ها و درک ارزش‌های اخلاقی ایجاد می‌کند. این روش علاوه بر تقویت همدلی، تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه را نیز در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد.

* ادغام آموزش مهارت‌های اجتماعی در برنامه درسی:

آموزش مهارت‌های اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت مستلزم رویکردی تلفیقی است که در آن برنامه درسی، علاوه بر انتقال دانش، پرورش شایستگی‌های اجتماعی را نیز هدف قرار دهد. در این راستا، درس مطالعات اجتماعی با

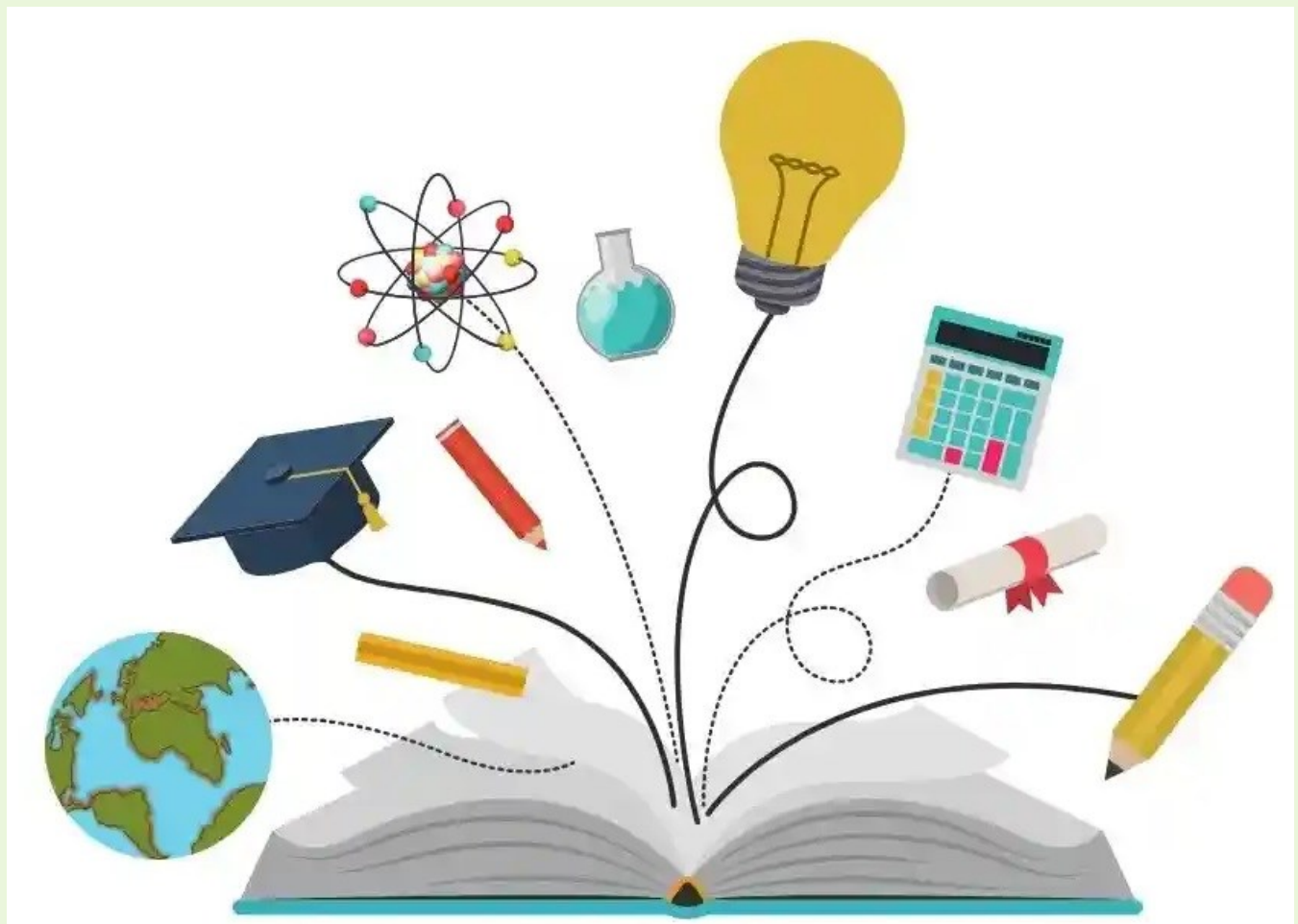
ماهیت کاربردی خود، دانش‌آموزان را با مفاهیمی چون مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندی آشنا کرده و از طریق روش‌های تعاملی مانند بحث‌های گروهی و اجرای پروژه‌های مشارکتی، فرصت تجربه عملی این مهارت‌ها را فراهم می‌سازد. در کنار آن، درس فارسی نه تنها به تقویت سواد خواندن و نوشتن می‌پردازد، بلکه نقش مهمی در پرورش تفکر انتقادی و مهارت‌های ارتباطی دارد. فعالیت‌هایی هم چون «صندلی صمیمیت» که بر گفت‌وگو، بیان احساسات و شنیدن نظرات دیگران تأکید دارد، دانش‌آموزان را به تعامل سازنده و گوش دادن فعال ترغیب می‌کند. از این رو، طراحی برنامه درسی به گونه‌ای که مهارت‌های اجتماعی را به‌طور هدفمند در آموزش رسمی ادغام کند، نه تنها یادگیری را معنادارتر می‌سازد، بلکه زمینه‌ساز پرورش شهروندانی آگاه، مسئول و توانمند در تعاملات اجتماعی جامعه خواهد بود.

نتیجه‌گیری:

آموزش مهارت‌های اجتماعی در مدارس نه تنها یک ضرورت تربیتی، بلکه راهبردی اساسی در تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندسازی نسل آینده محسوب می‌شود. مدارس باید فراتر از نقش سنتی خود در انتقال دانش عمل کرده و به محیط‌هایی پویا برای یادگیری اجتماعی تبدیل شوند. در این راستا، دانش‌آموزان باید از طریق تجربه‌های عملی، تعاملات گروهی و فعالیت‌های مشارکتی، مهارت‌هایی هم چون همدلی، تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری و مدیریت تعارض را به‌طور مؤثر بیاموزند. تحقق این هدف مستلزم بازنگری برنامه‌های درسی، ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، افزایش مشارکت خانواده‌ها و تدوین سیاست‌های آموزشی است.

References

- Durlak, J. A., Weissberg, R. P., Dymnicki, A. B., Taylor, R. D., & Schellinger, K. B. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning: A meta-analysis of school-based universal interventions. *Child Development*, 82(1), 405-432.
- Malekpour Shahrak, B., Ahmadi, R., & Ghazanfari, A. (2023). Design of a life skills training package for children and its effectiveness on academic achievement of elementary school students. *Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 66(3), 550-562.
- Ovahedi, M., & Mazaheri, H. (2012). Validation of a curriculum guide for teaching life skills and manners. *Novavarihay Amoozeshi [Educational Innovations]*, 44(11), 165-186.
- Pierce, S., Erickson, K., & Sarkar, M. (2020). High school student-athletes' perceptions and experiences of leadership as a life skill. *Psychology of Sport and Exercise*, 51, 101716.
- Taghieh, N. K., Liaqatdar, M. J., & Zamani, B. E. (2019). Teachers' perspectives on the quality of life skills curriculum in lower secondary schools: Suggestions from experts and teachers for improving its quality. *Innovative Approaches in Education*, 14(1), 67-82.
- Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society: The development of higher psychological processes*. Harvard University Press.



ما را در فضای مجازی به آدرس Teacherscc دنبال کنید:



۰۹۰۳۱۲۶۲۵۴۵

Social skills & curriculum

